

# بیانیه انجمن علمی

مجموعه ای که پیش روی شماست تحلیل برخی رویدادهای مهم است که محورهای آن در نشست های هم اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می گردد. تلاش نویسندگان و تحلیل گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیکترین تحلیل به دیدگاه های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمایید.

معاونت فرهنگی هیات رزمندگان اسلام

تلفن: ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر: ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک: info@eheyat.com

شماره پیامک: ۶۶۰۰۰۰۱۰۶۶

## فهرست

۵.....	تدابیر ۲۷ ساله رهبر انقلاب در خلق فرصت ها و عبور از تهدیدها / دکتر رضا داوری.....
۶.....	چکیده.....
۷.....	مقدمه.....
۸.....	خورشید در آینه خورشید.....
۹.....	چالش های پس از رهبری.....
۱۰.....	مدیریت بحران ها.....
۱۱.....	عبور از فتنه ها و خنثی سازی پروژه های براندازانه.....
۱۳.....	فتنه ۸۸ و حوادث پس از انتخابات.....
۱۴.....	تداوم راه امام و مقابله با تحریف امام.....
۱۵.....	شناخت دشمن و حساسیت نسبت به طرح های دشمن.....
۱۵.....	دیده بانی نافذ و رصد حرکت جبهه دشمن.....
۱۵.....	خنثی کردن برنامه هایی دشمن.....
۱۶.....	مفهوم سازی و حرکت آفرینی.....
۱۶.....	بصیرت دهی و آگاه بخشی.....
۱۷.....	مسئولیت پذیری و پاسخگویی.....
۱۷.....	تلاش برای حل معضلات و ضعفها در نظام اسلامی.....
۱۷.....	پاسداری از فرهنگ و صف آراییی در برابر جنگ نرم دشمن.....
۱۹.....	دستاورد های بی نظیر سیاست خارجی ایران.....
۲۱.....	سخن آخر.....

- ۲۳..... دکتر عبدالله گنجی / **عوامل موثر در اقتدار ملی نظام جمهوری اسلامی ایران**
- ۲۴..... چکیده.....
- ۲۶..... غرور ملی زائیده ی اقتدار ملی.....
- ۲۷..... قدرت و نفوذ منطقه ای.....
- ۲۹..... اسلام قدرت بسیج گر.....
- ۳۱..... استقلال سیاسی.....
- ۳۴..... وحدت ملی رکن رکن اقتدار ملی.....
- ۳۵..... قدرت گفتمان سازی.....
- ۳۶..... تهدیدات اقتدار ملی از دیدگاه امام (ره).....
- ۳۷..... مقام معظم رهبری تهدیدات اقتدار ملی را در چند محور بیان می نماید.....
- ۳۹..... منابع و مأخذ.....
- ۴۱..... دکتر یدالله جوانی / **تداوم انقلابی گری شرط لازم برای حفظ جمهوری اسلامی**
- ۴۲..... چکیده.....
- ۴۳..... مقدمه.....
- ۴۳..... میزان وجوب حفظ جمهوری اسلامی.....
- ۴۴..... چگونه میتوان جمهوری اسلامی را حفظ کرد؟.....
- ۴۴..... تداوم انقلابی گری شرط لازم برای حفظ جمهوری اسلامی.....
- ۴۵..... تمرکز دشمن بر مبارزه با انقلابی گری در ایران.....
- ۴۵..... شاخص های انقلابی گری.....
- ۴۶..... تبیین و تشریح شاخص های انقلابی گری.....
- ۴۸..... امام الگوی کامل انقلابی گری.....

۴۹..... **جهاد کبیر** / دکتر مقدم فر.....

۵۵..... **تحلیل رفتار آل سعود در ممانعت از برگزاری حج ابراهیمی** / عباس حاجی نجاری.....

۵۶..... چکیده.....

۵۷..... مقدمه.....

۵۸..... عوامل مؤثر در اقدام عربستان.....

۵۹..... زنجیره ناکامی ها و شکست های آل سعود.....

۶۱..... دشواری های غرب در تداوم حمایت از رژیم سعودی.....

۶۲..... جمع بندی و نتیجه.....

تجدید و تحول

تدابیر ۲۷ ساله  
رهبر انقلاب در خلق  
فرصت ها و عبور از  
تهدیدها

خرداد ۱۳۹۵

دکتر رضا داوری

۱۷

## چکیده

عبور پیروزمندانه نظام اسلامی از گذرگاه‌ها و عقبه‌های دشوار سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و تهدیدهای ساختار شکن دنیای غرب در ۲۷ سال گذشته که با تدابیر و حکمت‌های آسمانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حاصل شده است، گواهی برای مدعاست که «حجاب معاصرت» پرده بر ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت‌ها، تدابیر حکیمانه، تصمیم‌گیری‌های جسورانه و ظرفیت‌های شگرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای کشیده است و حتی نزدیکترین دوستان و دلدادگان نظام اسلامی هم نتوانسته‌اند زوایایی ولو کوچک از این خصوصیات برجسته و بی‌بدیل را رونمایی کنند.

تسلط و احاطه بی‌نظیر معظم‌له بر دنیای سیاست، مسایل جهان اسلام، عرصه بین‌الملل، تاریخ جهان، مسایل نظامی، تهدیدات دشمنان، تهاجم و ناتوی فرهنگی، نیازهای نسل جوان، مطالبات و نیازهای دانشگاه‌ها، بایسته‌های حوزه‌های علمیه، شناخت دغدغه‌های نیروهای انقلاب و درک شایسته از بایسته‌های نظام اسلامی و... باعث گردیده تا حتی بدخواهان نظام نیز از این همه وسعت و جامعیت و احاطه ایشان بر امور، گاه ناخواسته لب به تمجید و تجلیل بکشایند.

هیچ فرد منصفی نمی‌تواند منکر این مهم شود که دستاوردهای نظام در عرصه‌هایی چون پیشرفت‌های هسته‌ای، موشکی، سلول‌های بنیادی، تولید داروها و واکسن‌های مهارکننده بیماری‌هایی چون ایدز و برخی سرطان‌ها، ترمیم ضایعات نخاعی، دستیابی به فناوری شبیه‌سازی، به راه افتادن نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه و دانشگاه، دمیده شدن روحیه اعتماد به نفس در جوانان و جوان‌گرایی و... در گرو دغدغه‌ها و پیگیری‌های مستمر ایشان صورت گرفته است.

اگر فضای تصمیم‌گیری در اداره کلان دولت‌ها را در سه دسته الف) سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده، ب) استراتژیک، ج) بحرانی، تقسیم‌بندی کنیم، جمهوری اسلامی همواره در فضای بحرانی بسر برده است. بنابراین تصمیم‌گیری در چنین شرایطی بسیار حساس و نیازمند تصمیم‌گیران آگاه، هوشمند، مدبر و جامع‌نگر و شجاع می‌باشد. عبور موفقیت‌آمیز از این بحرانها و تبدیل کردن آنها به فرصت‌های مغتنم برای جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب مهمترین و بیشترین نقش را در نیل به این موفقیت‌ها داشته است.

امروز کسی تردیدی ندارد که مواضع و رویکردهای رهبر معظم انقلاب در خصوص رویدادهای مهمی مانند ۱۱ سپتامبر، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، مقدمه‌سازی برای حمله و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و فشارهای ارباب‌آمیز، دفاع از آرای مردم در انتخابات دهم ریاست جمهوری سال ۸۸ و مهار فتنه‌ای که کیان نظام اسلامی را هدف قرار داده بود و دهها رخداد دیگر، نه تنها جمهوری اسلامی ایران را از تهدیدات بالقوه و بالفعل دور ساختند بلکه موقعیت و جایگاه ایران را در مراتب قدرت و ثبات چه در بعد داخلی و خارجی

به شدت افزایش داده است.

مدیریت هوشمندانه و حکیمانه ۲۷ ساله رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نشان داد که چگونه می شود پس از ارتحال آن عزیز سفر کرده نیز با اقتدار کامل و صیانت دقیق از انقلاب و هدایت آن به سوی اهداف بلند و پشت سر گذاشتن توطئه های رنگارنگ ، دستاوردهای جدید را یکی پس از دیگری به کارنامه انقلاب پویا و بالنده افزود و آمال و آرزوهای رویایی دشمن را که در دنیای بدون امام خمینی(ره) شکل گرفته بود، بر هم ریخت.

## مقدمه

این روزها درحالی آغاز بیست و هشتمین سال انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای را به عنوان رهبر و سکandar نظام اسلامی فرا روی داریم که درباره ابعاد این انتخاب هوشمندانه و سرنوشت ساز، شاهد کم کاری کارشناسان اندیشه ورز و اهل قلم هستیم.

شاید ریشه این کم کاری از آن روست که اهل شعر و غزل می گویند هر چه ذوق هنری است در توصیف و استعاره و کنایه و تشبیهی است که از هلال و بدر و محاق و مهتاب و گیسوی شب و کمان ابروست و کمتر سخن از خورشید و آفتابی به میان رفته که جهان در پرتو نور آن تجلی یافته است.

به جهت تقریب به ذهن و نه مشابهت، علمای فلسفه و عرفان، تعبیری در توصیف «واجب الوجود» دارند که می گویند «هو مستور لشفه ظهوره و هو مخفی لشفه وجوده» یعنی ظهور و وجود باری تعالی آن قدر آشکار و محسوس است که از شدت ظهور، از دیدگان مخفی مانده است.

به راستی چرا در این سال ها که از ریز و درشت حوادث گفته ایم، از تهدیدات بنیان برافکن سخن رانده ایم و فراز و نشیب های انقلاب را به روایت و تحلیل نشسته ایم و بر عبور از این توفان ها و تلاطم ها بالیده و افتخار کرده ایم، کمتر از تدبیر و هوشیاری و رهبری داهیانة سکandar نظام اسلامی در دهه دوم و سوم و چهارم انقلاب ، کمتر سخن به میان آورده ایم، تهدیداتی که اگر تنوع و حجم آن بیشتر از دهه اول انقلاب نباشد، لاقلاً همسان و همسنگ آن است، اگر چه معتقدیم درباره ابعاد و زوایای رهبری مدبرانه امام راحل و بنیانگذار و معمار این انقلاب الهی نیز به مثنی از خروار بسنده کرده ایم.

آنهایی که از نزدیک دستی بر تاریخ دارند، از یک بیماری شایع به نام «حجاب معاصرت» در میان راویان و تحلیل گران تاریخ سخن می گویند. چه بسیار تاریخ دانان و تاریخ نویسانی که در پرده و حجاب معاصرت، از ضبط و تحلیل مهمترین وقایع تاریخی هم عصر خود غفلت ورزیده اند اما رنج ها و مشقت های طاقت فرسایی را برای ضبط و روایت برهه هایی دور از یک دوره تاریخی متحمل شده اند که از ارزش و اعتبار چندانی برخوردار نبوده است. این بیماری، در عصر حاضر به تجربه در آمده و نه تنها گریبان اهل تاریخ، که اهل سیاست، فرهنگ، هنر، دانشگاه ها، حوزه

های علمیه، عالمان دینی، رجال مذهبی واصحاب رسانه را نیز در بر گرفته است.

### خورشید در آینه خورشید

یکی از دغدغه‌های رهبران هر انقلابی، عصر پس از بنیانگذار آن است. دشمنان هر انقلاب برای نابودی آن، معمولاً دوران گذار از معمار اصلی انقلاب را نشانه می‌روند. رحلت امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در چهاردهم خرداد سال ۶۸ در شرایطی بسیار حساس اتفاق افتاد. تحلیل‌های دشمنان بر این بود که پایان عمر امام خمینی، پایان کار انقلاب اسلامی را نیز رقم خواهد زد. آسوشیتدپرس بلافاصله پس از رحلت امام خمینی اعلام کرد: «با رفتن (امام) خمینی، انقلاب اسلامی به پایان رسید».

اما تدبیر دور اندیشانه امام خمینی (ره) برای احیای نظریه ولایت فقیه و تثبیت آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر فرضیات دشمنان خط بطلان کشید. ساعتی پس از رحلت امام خمینی، علی رغم فقدان جانشین این رهبر فرزانه، مجلس خبرگان در حرکتی مدبرانه و به هنگام، آیت الله خامنه‌ای را به عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی معرفی کرد. حضور میلیونی مردم ایران در مراسم تشییع پیکر مطهر امام خمینی (ره) و حمایت بی دریغ آنها از انتخاب مقام معظم رهبری، با طرح شعارهایی مانند: «اطاعت از خامنه‌ای، اطاعت از امام است»، مهر تأییدی بر انتخاب بجا و شایسته مجلس خبرگان رهبری بود.

در نظام جمهوری اسلامی، نقش رهبری، کلیدی و بنیادین است. او فردی آگاه به دین، زمان شناس، قاطع و با تقوا است که سیاستهای کلان نظام را براساس رهنمودهای اسلام تعیین می‌کند. به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای: «رهبری یعنی آن نقطه‌ای که مشکلات لاینحل دولت به دست او حل می‌شود. او حقیقت را برای مردم روشن و توطئه‌های دشمن را بر ملا می‌کند، به مردم امید می‌دهد و از تمامیت انقلاب در مقابل توطئه‌گران دفاع می‌کند».

آیت الله خامنه‌ای در حوزه‌های علمیه و دوران سخت مبارزه، به بالندگی رسید و به عنوان فقیهی مجاهد، نویسنده‌ای متبحر و خطیبی توانا از آن پایگاه برخاست و از آغاز نهضت اسلامی، یار و پیرو راستین امام خمینی بود و در رشته‌های مختلف علمی بویژه اسلام‌شناسی، فقه و تاریخ اسلام صاحب نظر شد. چنانکه امام راحل درباره ایشان فرمود: «جنابعالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری می‌شناسم که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت فقیه جدا جانبداری می‌کنید. در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی، از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید روشنی می‌دهید».

امام بخشی از این بار مسوولیت را در زمان حیات خویش بر دوش کشید و با تعبیری بلند و رسا در توصیف فرزند رعنا و برنایش فرمود: یکی از بازوهای پرتوان جمهوری اسلامی... برادری آشنا به مسایل فقهی و متعهد به آن... از جمله افراد نادری که چون خورشید روشنی



می بخشد. . . . متعهد و مبارز در خط مستقیم اسلام. . . عالم به دین و سیاست. . . کسی که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین طنین انداز است. . . سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی در محراب، خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمای دلسوز در صحنه انقلاب. . . در حکم آیه شریفه اشداء علی الکفار و رحماء بینهم. . . من آقای خامنه ای را بزرگ کردم. . . ایشان سرمایه انقلاب هستند. . . ایشان از اجتهادی که لازمه ولایت فقیه می باشد، برخوردارند. . . ایشان الحق شایسته رهبری اند، با بودن آقای خامنه ای شما خلاء رهبری ندارید و. . . و چنین بود که سکندار هدایت انقلاب، در اولین سخنرانی خود در میان مردمی که دست بیعت به سوی ایشان دراز کرده بودند، فرمود: ما با خدا پیمان بسته ایم راه امام خمینی را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است دنبال کنیم و از هیچ یک از آرمان هایی که به وسیله امام ترسیم شده، چشم پوشی نخواهیم کرد. آرمان هایی چون پیگیری سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از مستضعفان و محرومان، وحدت و همبستگی دنیای اسلام، وفاداری به اصل ولایت فقیه، استقلال و خود کفایی کشور، حرکت به سمت استعدادهای جوشان داخلی و ساختن جوانان و اصلی شمردن مسئله فلسطین.

## چالش های پس از رهبری

جابه جایی ها در حوزه قدرت، همواره با مشکلات عدیده ای در نظام های سیاسی رایج همراه بوده است، اما با ژرف نگری های امام امت (ره) و درایت و اقتدار رهبر معظم انقلاب و حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این انتقال قدرت در نظام اسلامی با کم ترین هزینه انجام شد.

به اعتقاد بسیاری از تحلیل گران سیاسی، معدل عملکرد و هنر مدیریتی و رهبری امام (ره) در برهه زمانی ۶۷ تا ۶۸ که آخرین سال حیات مادی ایشان بر این کره خاکی بود را می توان با تمام دوران مبارزه و رهبری امام (ره) مقایسه کرد و در واقع سال ۱۳۶۷، سال شکوفایی و اوج هنرنمایی آن قائد عظیم الشان بود.

در این سال، امام ضمن ترسیم خطوط کلی سیاست ها و خط مشی جمهوری اسلامی ایران در عرصه های سیاسی، فرهنگی و بین المللی، بن بست های موجود در اداره کشور را که جز با ید بیضایی و انگشت اشارت ایشان قابل گشودن نبود، گشود تا روند تکاملی انقلاب را تضمین نماید. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، عزل منتظری از قائم مقامی رهبری و انهدام باند مهدی هاشمی، تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی و حذف مرجعیت از شرایط رهبری، از جمله بن بست هایی بود که می توانست هر انقلابی را به زانو درآورد، علاوه بر آنکه با صدور حکم قتل سلمان رشدی و گشایش جبهه فرهنگی اسلام در برابر دنیای غرب، دعوت گورباچف و بلوک شرق به اسلام و تاکید مجدد بر صلاحیت های آیت الله خامنه ای، سیاست های کلی نهال نوپای انقلاب را ترسیم فرمودند.

رهبر معظم انقلاب در شرایطی سکان هدایت انقلاب را به دست گرفتند که فضای پیش روی ایشان با دوران زعامت امام (ره) بسیار متفاوت بود. امام با مرجعیت علی الاطلاق و پشتوانه حوزه علمیه قم، مشهد و نجف و با پشتوانه پنج دهه کار علمی، فقهی، آموزشی و پرورشی و با تشکیلاتی قوی و منسجم از روحانیون و دانشگاهیان قدم در راه مبارزه گذاشت و در طول مبارزه علاوه بر سود جستن از پشتوانه مرجعیت، از تلاش ها و جانفشانی های میردانی چون طالقانی ها، بهشتی ها، مطهری ها، خامنه ای ها، هاشمی رفسنجانی ها، مفتاح ها، باهنرها، رجایی ها، سعیدی ها، غفاری ها، اندرزگوها، مدنی ها، اشرفی اصفهانی ها، دستغیب ها و... بهره برد که این امتیاز در سال های نخستین رهبری آیت الله خامنه ای، به رغم تمامی شایستگی های ایشان، مهیا نبود و سال ها به درازا کشید تا بن مایه های عمیق علمی و قابلیت های شگرف فقهی ایشان به رخ مدعیان کشیده شود.

### مدیریت بحران ها

حضرت آیت الله خامنه ای در حالی توسط خبرگان این ملت برای رهبری نظام اسلامی برگزیده شد، که کشور آبستن حوادث و مشکلات بسیار بود. رحلت امام یک شوک سهمگین به دولت و ملت ایران وارد ساخته بود و دشمنان و بدخواهان نظام، چنگ و دندان ها سائیده و نشان می دادند. تاسیسات زیربنایی کشور همچون آب، برق، گاز، مخابرات، راهها، فرودگاهها، خطوط راه آهن، پالایشگاهها و صنایع مادر، در دوران جنگ تحمیلی خسارات فراوان دیده بودند، ذخایر ارزی کشور به پائین ترین میزان خود رسیده بود و تامین نیازهای اساسی و اولیه مردم، تبدیل به یک دغدغه جدی شده بود.

تنظیم سیاست ها و اولویت های باز سازی کشور با عنوان برنامه اول توسعه اقتصادی کشور از چالش های نفس گیری بود که در اولین سال رهبری ایشان اتفاق افتاد. برنامه ای که به دلیل ماهیت ابزاری و سرمایه ای خود، موجبات بروز برخی ناعدالتی ها و تبعیض ها را فراهم می ساخت اما این امر دلیلی بر سکوت و یا شانه خالی کردن ایشان از زیر بار مسئولیت نبود و بارها ضمن هشدار نسبت به اتخاذ برخی سیاست های اقتصادی، در مواردی از سرعت گرفتن برنامه های موسوم به توسعه اقتصادی به دلیل فشاری که برگرده افشار آسیب پذیر و محروم جامعه وارد می آمد، جلوگیری به عمل آوردند.

یکی از مهمترین ویژگی های مقام معظم رهبری به اعتراف دوست و دشمن، مدیریت عالی و خلاقانه ایشان در شرایط حساس و بحرانی است. اداره یک جامعه در شرایط عادی، شاید کار دشواری نباشد خصوصا برای مدیران و رهبرانی که از تجربه لازم برای اداره جامعه برخوردار باشند، اما توانمندی یک مدیر و یک سکاندار کشتی در شرایطی ظاهر می شود که در لحظات بحرانی و در میان توفان حوادث، کیان نظام را به سلامت به ساحل مقصود برساند.

جنگ اول خلیج فارس و حمله صدام به کویت، یکی از این عقبه های سخت و سرنوشت ساز

بود که با تدبیر و هوشمندی رهبر معظم انقلاب، از آن به سلامت عبور کردیم. در جریان تجاوز صدام به کویت و ورود نیروهای غربی به خلیج فارس و آغاز درگیری‌ها، گروه‌هایی که خود را اهل تحلیل و صاحب فهم و درک عمیق می‌دانستند، بامشاهده شلیک چند موشک اسکاد به اسرائیل، از صدام به عنوان خالدبن ولید دوران یاد کردند و خواستار گشایش جبهه‌ای نظامی به نفع صدام در منطقه شدند تا ناخواسته کشور را درگیر دامی از قبل پهن شده نمایند، اما با هوشیاری و تدبیر رهبری که جنگ صدام و آمریکا را جنگ باطل با باطل نامیدند، انقلاب از دام درگیری با دنیای غرب آن هم در جبهه حمایت از صدام(!) به سلامت عبور کرد تا هوشمندی و درایت ایشان به رخ مدعیان کشیده شود.

### عبور از فتنه‌ها و خنثی‌سازی پروژه‌های براندازانه

دوران به قدرت رسیدن طیفی از تجدیدنظرطلبان در دوره موسوم به توسعه سیاسی را باید جزو تلخ‌ترین و سخت‌ترین دوران حیات انقلاب اسلامی به شمار آورد. دورانی که شاهد بروز و ظهور فتنه‌هایی چون قتل‌های زنجیره‌ای، شبه کودتای ۱۸ تیر، بکه تازی مطبوعات زنجیره‌ای و فضای به شدت ملتهب سیاسی کشور بودیم.

قصه تلخ قتل‌های زنجیره‌ای با هدف فرمان آتش به سوی نظام طراحی شده بود و تبلیغات گسترده‌ای که هیچ تناسبی با وزن واقعی آن نداشت و انسان را به یاد ماشین تبلیغاتی گوبلز و هیاهوی دروغین و غلوآمیز تاریخ معاصر چون سوزاندن یهودیان در کوره‌های آدم‌سوزی و قتل عام ارمنه توسط دولت عثمانی می‌انداخت. واقعه‌ای که به جای ریشه‌یابی، توسط برخی گروه‌های فرصت‌طلب و وابسته، به ریشه‌سازی کشیده شده بود و محوری‌ترین شخصیت‌ها و بنیادی‌ترین نهادهای نظام را با آتشباری فریب و خدعه و نیرنگ به مسلخ کشانده بودند. توطئه‌ای که با هدف دامن زدن به تنازعات داخلی و فراگیر نمودن آتش جنگ داخلی، ارکان نظام اسلامی را نشانه رفته بود که این تهدید بنیان افکن، با سرپنجه تدابیر رهبری، به فرصتی برای پالایش نظام از نیروهای نفوذی و موجب شکل‌گیری صف بندی جدیدی به نام نیروهای خودی و غیرخودی در جریان‌های سیاسی کشور گردید.

شکل‌گیری مطبوعات زنجیره‌ای که در جهت اجرای پروژه‌هایی چون نافرمانی مدنی، استحاله از درون، دیپلماسی مسیر ۲، براندازی خاموش، پروژه خندق، تعادل و برانگرم، مقاومت مدنی، مشروعیت دوگانه، فشار از پائین و چانه زنی در بالا، عبور از خاتمی و... تدارک دیده شده بود، با شجاعت و میدان‌داری رهبری به تسخیر نیروهای نظام درآمدند تا یکی از مستحکم‌ترین و موثرترین پایگاه‌های دشمن که عبدالله بن ابی‌ها در آن موضع گرفته و فروپاشی نظام اسلامی را نشانه گرفته بودند، دچار اضمحلال و فروپاشی گردد. برخورد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب با پروژه‌هایی چون فشار از پایین و چانه زنی در بالا و یا پروژه فروپاشی از درون، گواهی دیگر بر برخورد امام گونه ایشان بامخاطرات پیش روی انقلاب است. معظم له در پاسخ به مدعیان

پروژه فشار با صراحت اعلام کردند: اگر فشار بیاورید حادثه کربلا تکرار خواهد شد نه صلح امام حسن (ع) و در پاسخ به سردمداران پروژه فشار و استحاله از درون فرمودند: اصلاحات در ذات و هویت انقلاب است در حالی که برخی به دنبال نقش آفرینی همزمان یلتسینی و گورباچفی هستند. اینها اشتباه اولشان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دومشان این است که اسلام، کمونیسم نیست. اشتباه سومشان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست.

اشتباه چهارمشان این است که ایران یک پارچه، شوروی متشکل از سرزمین های به هم سنجاق شده، نیست و اشتباه پنجم شان هم این است که نقش بی بدیل رهبری در ایران شوخی نیست. تدبیر امام گونه رهبر معظم انقلاب در برخورد با شبه کودتای ۱۸ تیر، ۷۸ تلولو دیگری از هنر رهبری و هدایت ایشان است. حادثه ای که با طراحی نیروهای خارجی و صحنه گردانی اپوزیسیون داخلی و بازیگری گروهی از ارادل و اوباش و تعدادی دانشجوئما که بازیچه سیاست بازان حرفه ای شده بودند، اتفاق افتاد اما با اقتدار و تدبیر رهبری، بساط آن برچیده شد تا آرامش و امنیت به جامعه اسلامی مان لبخند زند.

حادثه ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان و عراق هم از دیگر بحران هایی بود که نظام ما به سلامت از آن عبور کرد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و تشکیل ائتلافی موسوم به ائتلاف ضد تروریست و تعیین محورهای شرارت و شعار هر که با ما نیست برماست که با هدف ایجاد رعب و وحشت در ملل مسلمان و تغییر مرزهای دنیای اسلام طراحی شده بود و در برهه ای که قدرت های بزرگی چون روسیه و چین نیز از ترس برخورد، راه ممانشات و همراهی را با سواره نظامان صلیبی در پیش گرفته بودند، غرش رعد آسای رهبری در شکستن صفوف جبهه متحد غرب و نشان دادن ریشه تروریسم در زانده چرکینی به نام رژیم صهیونیستی و دولت استکباری آمریکا، بیداری و خیزش دنیای اسلام را در برابر این توطئه شوم به ارمغان آورده است.

در آن روزها، چه بسیار افراد و جریان های سیاسی بودند که در مسیر امواج اغواگرانه رسانه های غربی، برای رفع اتهام از خود و پرهیز از درگیری با آمریکا، پیشنهاد مذاکره و همراهی با لشکرکشی های آمریکا را می دادند و امروز پس از شکست ها و ناکامی های مستمر آمریکا در منطقه، سرفاکنده از آن همه ترس و وحشت و تحلیل های ناروا، سر در گریبان فرو برده اند. صیانت از آرای مردم و حفاظت از حقوق و آزادی های مشروع آنان در برابر خود محوری ها و خودکامی های گروههای سیاسی و دفاع از اقلیت در برابر سلطه گری اکثریت، از دیگر هنرهای بی بدیل رهبری است که مانع تمرکز قدرت در یک شخص یا نهاد یا جریان خاص سیاسی شده است، حادثه ای که بنیان آن دربرهه هایی از تاریخ انقلاب توسط حزب کارگزاران و سپس حزب مشارکت پیچیده شد، اما با انگشت اشاره رهبری در هم پیچید.

ارائه تعاریف جدیدی از دموکراسی، مردمسالاری، حقوق بشر، جامعه مدنی و... که در سایه

هوشمندی رهبر معظم انقلاب به دست آمده است، هجمه نظری و ایدئولوژیک شیفتگان نظام لیبرال دموکراسی را به یک فرصت تازه برای نظام اسلامی تبدیل کرد تا از بطن آن مفاهیم بلندی چون مردمسالاری دینی، جامعه مدنی نبوی و اصولگرایی اصلاح طلبانه، در خدمت تحکیم مبانی انقلاب اسلامی خلق شود.

## فتنه ۸۸ و حوادث پس از انتخابات

دشمنان با جنگ نرم و سیاست نفوذ و استحاله، به دنبال فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از درون بودند و پس از بیست سال کار، فتنه ۸۸ را با کمک ضد انقلاب و عناصر ریزشی انقلاب پدید آوردند.

آنچه پس از انتخابات رخ داد در لایه ظاهری اعتراض به نتیجه انتخابات با ادعای واهی تقلب بدون هیچ گونه دلیل و مدرکی و با استفاده از روش های غیر قانونی و کشاندن اعتراضات به سطح خیابانها بود. در حالی که راه حل قانونی برای این مساله وجود داشت و انتظار این بود کسانی که معتقد به نظام اسلامی بوده و سالیان زیادی به نظام خدمت نموده و قانون گرایی و احترام به قانون را از برنامه های اصلی خود معرفی نموده بودند، از طریق مجاری قانونی مطالبات و ادعاهای خود را پیگیری نمایند.

ولی متأسفانه اصرار بر پیمودن مسیرهای غیر قانونی برای پیگیری مطالبات، منجر به بروز تشنجات و برهم خوردن نظم و امنیت و آرامش مردم شد. اما در پس پرده ی حوادث رخ داده و لایه زیرین آن، تلاش برای برهم زدن امنیت و آرامش کشور و براندازی نظام و مقابله با نظام اسلامی در سایه حوادث و آشوب های خیابانی تحت عنوان اعتراض به انتخابات در دستور کار دشمنان و بد خواهان داخلی و خارجی نظام قرار گرفت و مخالفان نظام تمام تلاش خویش را برای سوء استفاده از فضای بدست آمده و به اصطلاح ماهی گرفتن از آب گل آلود به کار بستند و سیل عظیم تبلیغات منفی رسانه های غربی و پوشش گسترده حوادث و بزرگ نمایی ها و سیاه کاری های صورت گرفته توسط آنها و حمایت کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان - که دشمنی آنان بر مردم ایران پوشیده نبوده و نیست - و این بار تحت لوای حمایت از مردم ایران و آزادی به میدان آمده بودند، شاهد گویایی بر برنامه ریزی دشمنان در این مسأله بود.

مقام معظم رهبری چند ماه پیش از آغاز این بحران، با شناخت عمیقی که از هدف دشمنان انقلاب برای ضربه زدن به اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام به منظور تضعیف مشروعیت آن، داشتند نسبت به هدف دشمن هشدار دادند و فرمودند: «من می بینم بعضی ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است - در حدود سی انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره ای رسماً متعهد شده اند و صحت انتخابات را تضمین کرده اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بی خود خدشه می

کنند، مردم را متزلزل می کنند، تردید ایجاد میکنند؟» ایشان در جریان بحران با چند اقدام و موضع گیری صریح، ضمن ترسیم ابعاد مختلف این حادثه و زوایای مختلف و ابعاد داخلی و خارجی آن، به گونه ای شایسته با آن برخورد نمودند و بار دیگر نقش بی بدیل رهبری نظام را در هدایت نظام جمهوری اسلامی از فراز و نشیب های مختلف را در معرض دید همگان قرار دادند.

با نگاهی به حوادث سال ۸۸ در می یابیم ایشان تلاش بسیاری انجام دادند تا در راستای سیاست «جذب حداکثری»، افراد و گروه های مختلف سیاسی در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران باقی بمانند و به فعالیت بپردازند ولی برخی شخصیت های سیاسی، بدون توجه به خواست ملت و رهنمودهای حضرت آیت الله خامنه ای، فضا را به سمتی بردند که نهایتاً منجر به حذف خودشان از آینده سیاسی کشور شد. با دقت در فاصله زمانی بین انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ تا خلق حماسه ۹ دی همان سال در می یابیم رهبری با تدبیر و نیز تبیین و شفاف نمودن فضای غبار آلود شکل گرفته سعی در آرام نمودن فضای کشور و نیز کنترل برخی عناصر استحاله شده گرفتند.

فضای جامعه گونه ای بود که تفرقه و اختلاف به صورت جدی در جامعه شکل گرفت و این اختلافات حتی به داخل نهاد خانواده ها نیز کشیده شده بود. لذا مقام معظم رهبری به درستی سعی در هدایت جامعه به سمت آرامش داشتند و در این فاصله نیز با تبیین امام گونه خود از حوادث جاری بسیاری از موانع را مرتفع نمودند لذا خیلی از معترضین با شفاف شدن فضا توسط ایشان، به دورویی و نیرنگ استکبار برای براندازی این نظام پی بردند اما عده ای از افراد فریب خورده و عامل فتنه نفاق خود را آشکار نموده و در خدمت به استکبار با تمام توان کوشیدند و در برابر فرامین ایشان سر کشی نمودند.

لذا باید اذعان نمود برنامه ریزی راهبردی مقام معظم رهبری برای شفاف سازی فضای غبار آلود فتنه ۸۸ در مدت ۸ ماه به گونه ای سوی ایشان تنظیم شده بود که گام به گام مردم به پیش روند و با افزایش بصیرت و نیز جذب حداکثری، زمینه برای دفع فتنه آماده گردد؛ که نتیجه این نوع رهبری ژرف اندیشانه ایشان، سرانجام در ۹ دی متبلور شد و شد آنچه باید می شد و عده «ان تنصروالله ینصرکم و ینصرتکم» بر همگان عیان شد.

### تداوم راه امام و مقابله با تحریف امام

راه امام خمینی (ره) راه سعادت ملت ایران و مسیر عزت دنیا و آخرت این ملت است. یکی از مهم ترین تلاش های رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول نزدیک به سه دهه گذشته این بوده است که راه امام تداوم یابد، این راه دچار تحریف و تغییر ناصحیح نشود و اصول مکتب امام و بینات راه امام دستخوش بازی بازی گران سیاسی و تحریف دشمنان و ناآگاهان نگردد. اگر همین یک امر مهم تنها اقدام رهبر معظم انقلاب بود، می شد آن را به عنوان یک موفقیت بزرگ

مطرح کرد. در طول سالهای گذشته متاسفانه شاهد آن بودیم که افرادی که گاه در ظاهر ربط و نسبی با امام داشتند و یا مدعی این ربط و نسبت بودند، در عمل بر خلاف آرمانها و اصول امام سخن گفتند و به گونه‌ای عمل کردند که مکتب امام دچار تبدیل و تغییر و تحریف شود. مثلاً استکبارستیزی که از مسلمات راه امام بود را منکر شدند و یا برخی دیگر با این ادعا که دوران مکتب امام به پایان رسیده، بی‌شرمانه مدعی شدند که اندیشه‌های امام را باید به موزه‌ها سپرد. رهبر معظم انقلاب در برابر این دشمنی‌ها و تحریفات از مکتب امام ایستادند و به لطف خدای متعال و همت مردم، راه امام را تداوم بخشیدند.

### شناخت دشمن و حساسیت نسبت به طرح‌های دشمن

یکی دیگر از اقدامات شایان توجه رهبر معظم انقلاب در طول سالهای پس از امام، توجه به مسأله استکبارستیزی و شناخت دشمنان ملت ایران و اسلام عزیز و حساسیت داشتن نسبت به طرح‌های دشمن بوده است. بدون شک از یک رهبر آگاه و روشن‌بین جز این نیز توقع نمی‌رود که برنامه‌های دشمن را بشناسد و نسبت به طرح‌های آن‌ها حساسیت داشته باشد. این که مشاهده می‌کنیم رهبر معظم انقلاب همواره زودتر از آن که دشمن طرح‌های خود را عملی کند نسبت به آن تذکر داده و مردم را از چنین طرح‌هایی آگاه کرده است، نشان از موفقیت رهبری در انجام این مسؤولیت دارد. هشدارهای رهبری نسبت به طرح‌های فرهنگی و جنگ نرم دشمن، هشدارهای رهبری نسبت به توطئه‌های اقتصادی دشمن در سالهای اخیر و... مصداق‌هایی از این امر است.

### دیدهبانی نافذ و رصد حرکت جبهه دشمن

علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد، رهبر معظم انقلاب به صرف شناخت نظری دشمن و طرح‌های او اکتفا نکرده‌اند بلکه در میدان عمل نیز همانند یک رهبر میدانی مسلط بر میدان و آگاه و بیدار و چونان دیده‌بانی نافذالبصیره حرکت‌های جبهه دشمن را در عمل نیز رصد کرده و ملت ایران را در باب نحوه حرکت و اقدامات آتی و حال دشمن آگاه کرده‌اند.

### خنثی کردن برنامه‌های دشمن

بر آنچه ذکر شد باید این‌را افزود که مقام معظم رهبری علاوه بر آگاهی از برنامه‌های کلان دشمن و شناخت اقدامات عملیاتی آنان، برای خنثی کردن برنامه‌های دشمن نیز همواره برنامه‌ها و اقدامات و طرح‌هایی اندیشیده‌شده و روشن داشته‌اند و همین امر باعث شده است که توطئه‌های دشمن خنثی شود و یا تلاش برای مقابله با آن به‌موقع صورت گیرد. به‌عنوان مثال رهبر معظم انقلاب از قریب به ۱۲ سال قبل از برنامه دشمن برای صدمه اقتصادی به کشور خبر دادند و پس از آن چون دیده‌بانی نافذ، حرکت جبهه دشمن را رصد کردند و برای خنثی کردن این توطئه

دشمن نیز اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان طرحی کلان و حساب‌شده و با پشتوانه کارشناسی برای مقابله با این توطئه ارائه کردند.

## مفهوم‌سازی و حرکت آفرینی

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین اقدامات رهبر معظم انقلاب در دوران رهبری خود را باید مفهوم‌سازی و حرکت آفرینی دانست. چیزی که گاه از آن به گفتمان‌سازی بر اساس آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی تعبیر می‌شود. بر این اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی با ایجاد یک سری مفاهیم مورد نیاز برای حل مشکلات جامعه و پیشبرد انقلاب اسلامی در راستای اهداف خود، ادبیات و گفتمانی را ایجاد می‌کنند که این ادبیات و گفتمان، زمینه را برای تولید محتوا و برنامه برای عمل در راستای آن اهداف آماده می‌سازد. هر یک از این مفاهیم نیازمند لاقبل یک مقاله یا یک کتاب مجزاست که بتوان نیاز به آن مفهوم و ابعاد آن و خدماتی که این مفهوم‌سازی انجام داده است را تشریح کرد. برخی از این مفاهیم ارائه‌شده توسط ایشان به شرح زیر است: مردم سالاری دینی، اقتصاد مقاومتی، مردمی‌سازی فرهنگ، فرهنگ عمومی، شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی، مظلومیت فرهنگی، جنگ نرم، افسران جنگ نرم، نفوذ، عوام و خواص، جهاد کبیر، مدیریت جهادی، جذب حداکثری، عزت و حکمت و مصلحت در سیاست خارجی، بیداری اسلامی، خودی و غیرخودی، پاسخگویی مسؤولان، انضباط اجتماعی، خدمتگزاری به مردم، عدالتخواهی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، فرهنگ مقاومتی وجدان کاری، انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، سبک زندگی اسلامی و ایرانی، جهاد اقتصادی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت و پیشرفت، تمدن بزرگ اسلامی و...

نگاهی به این فهرست طولانی و مهم نشان از آن دارد که رهبر فرهیخته انقلاب در زمینه تولید و به‌کارگیری به‌جای این مفاهیم، مجاهدتی بزرگ انجام داده‌اند و اگر یک عالم دینی و یک مصلح اجتماعی صرفاً چنین کاری انجام داده باشد و در هیچ عرصه دیگری فعالیت نکرده باشد، کار او را باید کاری بزرگ و ستودنی دانست، تا چه رسد به این که چنین امر عظیمی صرفاً یکی از ده‌ها اقدام مهم او باشد. چنین توفیقی فقط با امداد الهی و لطف خدای متعال ممکن است.

## بصیرت‌دهی و آگاه‌بخشی

بصیرت‌دهی و راهنمایی مردم و مسؤولان، یکی از مسؤولیت‌های سنگین رهبر معظم انقلاب بوده است. ایشان در هر برهه حساس و در هر امر مهم عمومی‌ای، یکی از وظایف خود را بصیرت‌دهی دانسته و به آن عمل کرده‌اند. از این جهت است که در طول سه دهه گذشته گنجینه‌ای غنی از سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان به‌صورت سخنرانی و حکم و دستور و... در موضوعات سیاسی و اجتماعی روز ایجاد شده است که تهیه این میزان محتوای روشن‌گر



و ایراد این همه سخنرانی‌های بصیرت‌بخش، خود یک کار مهم و اساسی محسوب می‌شود. مشخص است که هر سخنرانی از این سخنرانی‌های حکیمانه و به‌جا نیازمند ساعت‌ها و بلکه روزها تلاش و تفکر است و برای هر یک از آن‌ها چه میزان زحمت کشیده شده است. اما رهبری معظم انقلاب مجدانه وظیفه خود می‌دانند که مردم و مسؤولان در برهه‌های حساس و مسائل مهم روز بدون آگاهی و بصیرت باقی نمانند و با ایراد این سخنان مهم، هم بصیرت‌دهی کنند و هم مردم و مسؤولان را راهنمایی کنند.

### مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

یکی دیگر از نقاط درخشان سابقه رهبر معظم انقلاب، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ایشان است. در جایگاه رهبری ایشان در طول سال‌ها، بارها و بارها در جلساتی شرکت نموده‌اند که در آن اقبال مختلف مردم به بیان نظرات خود و پرسیدن سؤالاتی که برایشان مطرح است می‌پردازند و معظم له نیز با گشاده‌رویی در صدد پاسخگویی برمی‌آیند. در میان مسؤولان سطح بالا در دنیا و در ایران، این میزان از پاسخگویی کم‌نظیر است.

در بعد مسئولیت‌پذیری نیز ایشان قولا و عملا همگان را به دوری از انداختن مسئولیت بر دوش دیگران توصیه کردند و در مواقع مهم نیز نشان دادند که خود عامل به این توصیه هستند. مثلا در ماجرای تحدید نسل ایشان مسئولیت خود در این زمینه را پذیرفتند و با صراحت از آن سخن گفتند، در حالی که روشن است که ایشان از حامیان و مروجان مسأله تحدید نسل نبوده‌اند.

### تلاش برای حل معضلات و ضعفها در نظام اسلامی

یکی دیگر از نقاط درخشان در بیان و عمل رهبر معظم انقلاب این است که ایشان از دیدن نقاط ضعف و معضلات و مشکلات در نظام اسلامی و جامعه ابایی ندارند و منکر این نقاط ضعف نمی‌شوند بلکه با حکمت و فرزانیگی، انکار ضعفها را ناصحیح دانسته و متذکر می‌شوند که همان‌طور که سیاه‌نمایی برای انقلاب و جامعه مضر است، ساده‌لوحی یا انکار واقعیت‌ها نیز مضر است. از این جهت است که مشاهده می‌کنیم ایشان مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و مفاسد اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی و دیگر مصادیق معضلات اجتماعی را مجدانه مورد توجه قرار می‌دهند و در دستورهای مختلف به مسؤولان از لزوم توجه به امنیت اخلاقی و روانی جامعه، تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی، ضعف در خانواده، معضل جمعیت و... سخن می‌گویند. این واقع‌بینی انقلابی در عین آرمان‌گرایی اسلامی یکی از ویژگی‌های درس‌آموز و منحصر‌به‌فرد رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

### پاسداری از فرهنگ و صف آرایی در برابر جنگ نرم دشمن

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته فرهنگی کشور، فرهنگ را همواره جزو

اساسی ترین مسائل کشور به شمار آورده اند و مردم و مسئولان را به هوشیاری و چاره اندیشی برای حفظ استقلال فرهنگی که صیانت از آن از همه جنبه های استقلال سخت تر است فرا خوانده اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقدند که فرهنگ و باورهای ملی یک ملت عامل اصلی هویت، پویایی و حیات آن است و با تکیه بر آن می توانند در مسیر پیشرفت و توسعه گام بردارند. به همین سبب در طول تاریخ استعمار برای غلبه بر ملتها، سعی کرده است بنیانهای فرهنگی آنان را از بین ببرد (بیانات ۱۳۶۹/۷/۱۱، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

مفاهیمی چون انقلاب فرهنگی، تحول فرهنگی و بازگشت به فرهنگ دینی در مواضع و رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی مکرر مطرح شده است و ایشان همواره نسبت به تهاجم فرهنگی دشمن به فرهنگ انقلاب اسلامی است هشدار داده اند.

در حوزه داخلی نیز صیانت از فرهنگ اسلامی از آسیبهای احتمالی ناشی از کارکرد گفتمانهای حاکم بر دولتهای جمهوری اسلامی ایران، بخش دیگری از اقدامات رهبر انقلاب اسلامی در ارتباط با مقوله فرهنگ بوده است با توجه به ناکامی دشمنان نظام جمهوری اسلامی در جبهه نظامی در طول جنگ تحلیلی در سالهای پس از پایان جنگ، جنگ نرم و تهاجم فرهنگی به راهبرد اصلی برای مقابله با انقلاب اسلامی تبدیل شد که آیت الله خامنه ای برای نشان دادن وسعت و اهمیت آن از آن به عنوان شیخون فرهنگ و ناتوی فرهنگی نام بردند.

در منظر آیت الله خامنه ای فرهنگ و مسائل فرهنگی از مسائل اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و جز آن مهم تر است زیرا همه اینها بدون اهتمام به مسائل فرهنگی ناکام می ماند و فرهنگ در رشد و شکوفایی همه امور جامعه تاثیر دارد. به نظر آیت الله خامنه ای استقلال یک ملت به جز با استقلال فرهنگی تامین نمی شود زیرا سلطه واقعی قدرتها سلطه فرهنگی فرهنگی است. دیدگاهها و اقدامات رهبر انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ شامل این موارد است:

الف- تبیین مواضع و رهنمودهایی در مورد تهدیدات و آسیبهای فرهنگی که جامعه اسلامی را هدف گرفته است. ایشان از این تعهدیدات با عناوینی چون «تهاجم فرهنگی»، «شیخون فرهنگی»، «غارت فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی» و «تهدید نرم» به فراخور شرایط استفاده کرده و هر کدام را به وضوح تبیین کرده اند.

ب- تبیین مواضع و رهنمودهایی در مورد وضعیت موجود که به دلیل عدم توجه و یا غفلت از آسیبها و تهدیدهای فرهنگی پیش آمده است ایشان در این باره عباراتی چون «عرب گرایی»، «غرب زدگی»، «تجمل گرایی»، «مصرف گرایی»، «غرب زدگی»، «تجمل گرایی»، «مصرف گرایی»، «غرب زدگی»، «تجمل گرایی»، «مصرف گرایی»، «استحاله گرایی» و «جمود فرهنگی» را به مقتضای زمان مطرح و تبیین کرده اند.

ج- تبیین مواضع و رهنمودهایی در مورد طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فرهنگی جامعه برای برون رفت از وضعیت نامناسب فرهنگی و رسیدن به الگوی مناسب و متناسب با یک جامعه واقعا اسلامی در این مورد هم عبارات و مفاهیمی چون «مهندسی فرهنگی»، «الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت»، «سبک زندگی» و جز آن، مطرح گشته و برای تحقق آن پیگیری

و سعی شده است.

شرایط حساس سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخل از یک سو، تحولات، حوادث و وقایع منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر، تأثیر شگرفی بر وضعیت کشور گذاشته بود. هر چند امکان بررسی بحران‌ها و توطئه‌های ایجاد شده از سوی دشمن و نقش بی‌بدیل رهبری در خنثی‌سازی آنها، در گنجایش این مقاله نبود، اما آگاهی اجمالی از عناوین برخی از آنها، تأثیر شگرف و کارساز رهبری نظام را آشکار می‌سازد. بحران‌هایی مانند: (فتنه طالبان در افغانستان)، (غانله هیجده تیر)، (تحریم‌های شدید اقتصادی)، (قطعنامه‌های شورای امنیت)، (دادگاه میکونوس)، (کنفرانس برلین)، (قتل‌های زنجیره‌ای)، (تحصن نمایندگان مجلس ششم)، (تهاجم فرهنگی)، (جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله)، (جنگ ۲۲ روزه حماس)، (انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن) (انتخابات ۹۲)، (سیاست نرمش قهرمانانه در مسائل هسته‌ای) و... نشان می‌دهد که انقلاب چه نگین ارزشمندی را بر پیشانی خود نشانده است.

همچنین تسلط و احاطه بی نظیر معظم له بر امور و همچون مسایل نظامی، تهدیدات دشمنان، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، نیازهای نسل جوان، مطالبات و نیازهای دانشگاه‌ها، بایسته‌های حوزه‌های علمیه، شناخت دغدغه‌های نیروهای انقلاب و درک شایسته از بایسته‌های نظام اسلامی و... باعث گردیده تا حتی بدخواهان نظام نیز از این همه وسعت و جامعیت و احاطه ایشان بر امور، گاه ناخواسته لب به تمجید و تجلیل بکشایند.

هیچ فرد منصفی نمی تواند منکر این مهم شود که دستاوردهای نظام در عرصه‌هایی چون پیشرفت‌های هسته‌ای، موشکی، سلول‌های بنیادی، تولید داروها و واکسن‌های مهارکننده بیماری‌هایی چون ایدز و برخی سرطان‌ها، ترمیم ضایعات نخاعی، دستیابی به فناوری شبیه سازی، به راه افتادن نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری در حوزه و دانشگاه، دمیده شدن روحیه اعتماد به نفس در جوانان و جوان‌گرایی و... در گرو دغدغه‌ها و پیگیری‌های مستمر ایشان صورت گرفته است. معظم له در جمع دانشجویان کشور به صراحت فرمودند: اگر بودجه‌بندی کشور در دست من بود، مهمترین چیزی که من به عنوان اولویت اول به آن نگاه می‌کردم، همین مسئله پژوهش بود. امروز دنیا به پژوهش به عنوان زیربنای پیشرفت و تعالی یک جامعه نگاه می‌کند.

دشمنان طی این سال‌ها، استقلال و عزت ملی ایرانیان را نشانه رفته بودند، لکن رهبر معظم انقلاب با هوشمندی تمام، سیاست‌ها و راهبردی‌های دشمنان را یکی پس از دیگری خنثی نمودند. سیاست‌ها و راهبردهای غرب در قبال موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی از یک طرف و نقش امام خامنه‌ای در تبدیل ساختن ایران به یک کشور برخوردار از دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای از طرف دیگر، بر هیچ کس پوشیده نیست.

## دستاوردهای بی نظیر سیاست خارجی ایران

واقعیت امر این است که موقعیت جمهوری اسلامی ایران در طی سال های اخیر بشدت تحکیم یافته و در کلاس بندی قدرت به رتبه های بالایی دست یافته است. :

### ۱- افزایش اقتدار و نفوذ ایران؛

یکی از دستاوردهای مهم هدایت ها و رهنمودهای خارجی رهبر معظم انقلاب، افزایش اقتدار و نفوذ ایران است. اکنون اکثر مقامات سیاسی و نظامی غرب بر این باورند که جمهوری اسلامی ایران قدرت بلامنزاع در خاورمیانه پیدا کرده است. رومانو پرودی نخست وزیر سابق ایتالیا در مصاحبه با روزنامه مصری اخبار الیوم گفت که ایران کشور کلیدی در صحنه سیاسی خاورمیانه است. همین موضع را خاویر سولانا معاون هماهنگ کننده سابق سیاست خارجه اتحادیه اروپا مطرح کرد مبنی بر اینکه ایران در جریان بازی قدرت این قدر برگ برنده در دست دارد که به یک قدرت درجه اول در جهان تبدیل شود. مسلما این نفوذ و قدرت جنبه سخت افزاری ندارد. بلکه این نفوذ و اقتدار ناشی از منابع معنوی و دیپلماتیک هوشمندانه ایران و مواضع شجاعانه و عدالت خواهانه و اسلام خواهانه در منطقه است که افکار عمومی منطقه را در سطوح توده‌ای و نخبگی به خودش جذب و جلب کرده است.

موسسه سلطنتی امور بین الملل انگلیس نوشت که: آمریکا برای جلوگیری از افزایش قدرت منطقه‌ای ایران به همسایگان آن متوسل شده است. اما ایران با موفقیت در روابط خود با کشورهای همسایه حتی آن دسته از کشورهای عربی و سنی مذهب که از نفوذ آن بیم دارنده سود جسته و به موقعیت قابل توجهی در منطقه رسیده است.

### ۲- تبدیل شدن ایران به یک کشور شکست ناپذیر و مقاوم؛

هدایت و مدیریت رهبر معظم انقلاب در عرصه سیاست خارجی که خود تداوم دهنده مشی اصولی و شجاعانه امام راحل (ره) بوده است کشور ایران را به یک دژ مستحکمی تبدیل کرد که هر قدر ضربه به آن زده می‌شود قوی‌تر می‌گردد. اکنون اعتراف صریح مقامات ارشد و استراتژیست‌های کشورهای جهان از جمله غرب است که استحکام ایران نسبت به گذشته و ابتدای انقلاب فوق العاده افزایش یافته است. هفته‌نامه آمریکایی تایمز نوشته بود که ایران به محکمی در سنگر خود قرار گرفته و به هیچ عنوان در معرض تغییرات بنیادین انقلاب قرار ندارد. بواسطه چنین شرایطی پروژه حمله نظامی (چه تمام عیار و چه نقطه ای) آمریکا یا رژیم صهیونیستی برای همه امری نشدنی و اساسا غیر خردمندانه تلقی شده است. هرگاه طرح اقدامات نظامی در رسانه‌ها اوج گرفت همه شاهد بودیم که رهبر معظم انقلاب با تمام صلابت پاسخ قاطعی را می‌دادند.

### ۳- شکسته شدن مجدد ابهت آمریکا و متحدینش؛

دیپلماسی هدایت شده توسط رهبر معظم انقلاب راهبردها و سیاست های آمریکا در منطقه را با شکست سختی مواجه ساخت. این سخن ریچارد هاوزس شنیدنی است که در مجله فارین

افرز نوشته شد: با جنگ اول خلیج فارس عصر آمریکایی در خاورمیانه آغاز شد اما با جنگ دوم شاهد پایان عصر آمریکایی هستیم. در واقع مدیریت منطقه‌ای ایران که با رهنمودهای مقام معظم رهبری صورت گرفته تمام طرحهای این کشور را در خاورمیانه با شکست مواجه ساخت به گونه ای که مادلین آلبرایت وزیر خارجه اسبق آمریکا به کاخ سفید اعلام کرد: ایران قدرت اول منطقه است و آمریکا باید بداند که کلید حل معمای خاورمیانه بویژه عراق در دست ایران است. درخواست آمریکا برای مذاکره با ایران در شرایطی رخ داد که همه به ضعف و ذلالت آمریکا پی برده و رادیکالهای جامعه آمریکا این اقدام را سرافکنی بزرگ نام نهادند. در همین حال ایران با تدبیر مقام معظم رهبری درخواست مذاکره با آمریکا را بخاطر وضعیت شیعیان عراق و پیشنهاد آنها در اوج اقتدار پذیرفت.

#### ۴- تعمیق منطقه ژئواستراتژیک ایران؛

سیاست حمایت از نهضت‌های رهایی بخش و کمک به مسلمانان از تاکیدات جدی رهبر معظم انقلاب بوده‌است، به عنوان نمونه معظم له در سال ۸۰ فرمودند: دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، اینها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، اینها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست. این سیاست که با امام راحل (ره) شروع شده و جزء اصول و ارکان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۲ و ۳ و ۱۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی) می‌باشد توسط رهبر معظم انقلاب با تمام قوت پیگیری شد و اکنون ثمره آن را ملاحظه می‌کنیم.

اتفاقیاتی که در بحرین، یمن، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان، مصر، تونس، نیجریه و ... رخ داده است نتیجه استقامت در پیگیری این اصول از سوی رهبری انقلاب بوده است تاکید اخیر از این بابت است که در سالهای گذشته کسانی بودند که با چنین رویکردی مخالفت می‌ورزیدند.

#### سخن آخر

تزریق امید به ارکان دولت و مردم در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، از دیگر هنرهای ناب رهبری ایشان در طول ۲۷ سال گذشته بوده است، به گونه‌ای که در بحرانی‌ترین شرایط فرموده‌اند: من خود را غرق در عنایات و نعمات خداوند متعال می‌دانم. اگر هر مدیر و مسئولی صرفا کار خود را خوب انجام دهد، دیگر هیچ نگرانی و دلهره‌ای ندارم. این مهم را باید بدانیم که اگر در دهه اول انقلاب و در دوران غربت و تنهایی دفاع مقدس، برای حفظ موجودیت و بقای خود می‌جنگیدیم، امروزه سرنوشت منطقه به سرانگشتان ما سپرده شده است و آمریکا و متحدانش که در گذشته ای نه چندان دور با تفرعن از تغییر جغرافیای سیاسی در جهان اسلام و تشکیل خاورمیانه جدید می‌گفتند، اینک از ظهور و تولد خاورمیانه جدید با محوریت ایران اسلامی سخن می‌گویند و ایرانی که زمانی بانک مرکزی تروریسم و محور شرارت نام گرفته

بود، اینک به محور امید و رهایی آنان از گرداب عراق، سوریه، یمن، لبنان، افغانستان، فلسطین و منطقه آسیای غربی تبدیل شده است.

دوستان، شیفتگان و یاران وفادار حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) می‌باید بدانند و نیک هم می‌دانند که این دو گوهر ناب، یک حقیقت با دو تجلی هستند که وظیفه همه ما، درک و معرفی شایسته و بایسته این حقیقت ماندگار و الهی به جامعه اسلامی و بشریت تشنه امروز و فردا است.

تَلَاكُمُ الْمَوْتُ الْعَرَبِيَّةُ وَهِيَ الْفَرَسُ الْبَيْضُ الْوَحِيدُ فِي الْعَرَبِ وَهِيَ الْفَرَسُ الْبَيْضُ الْوَحِيدُ فِي الْعَرَبِ

پنجشنبه ۱۳۹۵ خرداد

عوامل موثر در  
اقتدار ملی نظام  
جمهوری اسلامی ایران

خرداد ۱۳۹۵

دکتر عبدالله گنجی

## چکیده

در متون کلاسیک، قدرت مادی اعم از وسعت، جمعیت و ثروت را عوامل اقتدار ملی می دانند اما در ایران علاوه بر موارد ذکر شده عواملی همچون نفوذ منطقه ای، ایدئولوژی بسیج گر، استقلال سیاسی، وحدت ملی، قدرت گفتمان سازی و رهبری دینی و بنیه دفاعی نیز از عوامل اقتدار ملی هستند. برای درک اقتدار ملی موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران مطالعه اقتدار ملی ایرانیان در دویست سال گذشته به صورت تطبیقی ضروری به نظر می رسد. از دیدگاه امام و مقام معظم رهبری عوامل فرو کاهنده اقتدار ملی از آسیب هایی همچون کاهش مشارکت ملی-سیاسی، ترس و خودباختگی مقابل قدرت ها، ناامیدی، اختلافات، وابستگی، جدایی دین از سیاست، ضعف معنویت در مردم، تهاجم فرهنگی، جدا کردن ملت در تاریخ گذشته بی اعتمادی به نظام و مسئولین نشات می گیرد.

عوامل اقتدار ملی ایرانیان در دویست سال گذشته



در علم روابط بین الملل سه عامل جغرافیا، جمعیت و ثروت را عوامل اصلی اقتدار ملی می دانند اما در ایران علاوه بر عوامل مذکور شاخص های دیگری نیز وجود دارد که می توان آنان را عوامل معنوی یا نرم اقتدار ملی معرفی نمود

اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران را می توان برآیند همه شاخص های منافع ملی دانست چرا که برخی از آنان پیش نیاز اقتدار ملی است. ثبات سیاسی، قدرت بسیج گری، نفوذ منطقه ای، ظرفیت های نظامی و ایدئولوژی بسیج گر را می توان از مهمترین پیش نیازهای اقتدار ملی دانست. وجود غیریت قدرتمند و متخاصم، لزوم اقتدار ملی را دوچندان می کند و ایران از این مسئله هیچ موقع غافل نبوده است. منافع مربوط به حفظ بقا و امنیت ملی ایران را باید شامل موضوعاتی از جمله آمادگی همه جانبه برای مقاومت در برابر حمله مستقیم قدرت های بزرگ و یا اقدامات نظامی یا الگوهای عملیاتی بازیگران منطقه ای دانست. طی سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تجارب مختلفی در راستای تأمین منافع «معطوف به بقا» صورت گرفته است. مقابله با «کودتای نوژه» گروه های صلح و مقاومت در برابر جنگ تحمیلی و بازدارندگی در برابر ابرقدرت های بزرگ را می توان در زمره حفظ منافع ملی معطوف به بقا دانست. علاوه بر آن ویژگی های طبیعی ایران نیز زمینه این اقتدار را فراهم تر می کند. ایران به عنوان یک کشور شیعه با محدوده مرزی سنی نشین و یا گذشته باستانی مبتنی بر ایرانییت و همین طور به عنوان یک کشور مبتکر و پیشرو اندیشه سیاسی (تجدد، ملی شدن صنعت نفت، اسلام خواهی) نسبت به همسایگان خود بسیار ممتاز است (سریع القلم، ۱۳۷۹، ص ۵۶)

رهبری مقتدر از جمله شاخص های اقتدار ملی در ایران است که بسیاری از اندیشمندان غربی به آن باور دارند. فولر معتقد است: غرب به ویژه مسحور پدیده آیت اله خمینی بوده است. وی به مثابه چهره های مهم و غیرمتعارف نماد تمامی نگرانی های عمیق غرب نسبت به اسلام رادیکال و فتائیک بود. پس از جنگ دوم جهانی، وی تقریباً بیش از هر رهبر خارجی دیگری در آمریکا، دشمن قلمداد می شد. داوری امریکایی ها درباره ماهیت رفتار ایران دست کم در عرصه عمومی، تحت تأثیر این چهره خشنماک و سیاه پوش بوده است که امریکا را با اصطلاح قرون وسطایی توصیف کرده و در جاتی از شیطانیت را به آن نسبت داده است (فولر، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱)

در بعد ایدئولوژیک نیز اسلام واجد برجسته کردن اقتدار ملی ایران بوده است. آنچه ناسیونالیسم ایرانی نتوانست در مقابله با مداخله گرایی غرب تحقق بخشد توسط اسلام گرایان به منصف ظهور رسید. چنین فرایندی در کشورهای خاورمیانه نیز منعکس گردید. طی سال های دهه ۱۹۵۰ به بعد شاهد ظهور ناسیونالیسم عربی هستیم. ناسیونالیسم عرب در مقابله با اسرائیل سازماندهی گردیده بود. ناتوانی ناسیونالیسم عرب برای تحقق اهداف استراتژیک خود را باید زمینه ساز پذیرش اصول گرایی اسلامی در کشورهای منطقه دانست (متقی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵)

اگرچه امریکایی های تلاش داشتند تا جهت گیری های رادیکال (مقتدرانه) در سیاست خارجی ایران را معطوف به نقش سیاسی امام خمینی بدانند، فرایندهای بعد از رحلت ایشان نشان داد که

روندهای ضد امریکایی، عناصر پایدار سیاست خارجی ایران محسوب می‌شوند. انقلاب اسلامی همانند انقلاب‌های بزرگ «هویت» خود را بر اساس «مقابله با دیگری» تنظیم نموده است. از این رو اصلی‌ترین نقطه تعارض ایران نیز با قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا تعریف می‌شود (متقی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷).

مقام معظم رهبری منابع اقتدار جمهوری اسلامی ایران را در حوزه‌های سخت افزاری تعریف نمی‌نماید بلکه آن را به مسائلی همچون اسلام و ارزش‌های اسلامی، گسترش عزت دینی و اخلاق می‌داند. وی اقتدار نظامی را رکن اصلی اقتدار ایران نمی‌داند اما به عنوان بخشی از اقتدار ملی می‌پذیرد. ایشان اقتدار سیاسی را به معنای پشتیبانی مردم از حاکمیت می‌داند و ایستادن مقابل زورگویان را عامل تولید اقتدار ملی معرفی می‌نماید. وی غایت اقتدار ملی جمهوری اسلامی را گام نهادن در مسیر تمدن‌سازی می‌داند که بتواند در سایه آن هویت مستقل ایرانی □ اسلامی را به نمایش گذاشت (اقتدار ملی، ۱۳۸۰، ص ۸۷). مهمترین نتایج اقتدار ملی در ایران، پس از انقلاب اسلامی را می‌توان مواجهه با قدرتهای بزرگ، پیروزی در جنگ تمام عیار، حفظ انسجام ملی، علی‌رغم توطئه‌های پیچیده رسانه‌ای، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جلوگیری از تجزیه کشور دانست.

مواردی مانند دستگیری عبدالملک ریگی و شناسایی و دستگیری عاملین ترور دانشمندان هسته‌ای و کشف و خنثی‌سازی بسیاری از توطئه‌ها از جمله ویروس استاکنت در تأسیسات هسته‌ای نظنن نیز جلوه‌ای از اقتدار ملی به حساب می‌آید.

## غرور ملی زائیده ی اقتدار ملی

درک سطح و میزان غرور ملی ایران پس از انقلاب اسلامی، بدون توجه به وضعیت ۲۰۰ سال گذشته ایران امکان‌پذیر نیست. بنابراین عقب‌ماندگی، بیگانه‌پرستی، چندپارگی، استبداد داخلی، ضعف در مقابل مطامع بیگانگان، کاپیتولاسیون، کودتای خارجی و... از جمله مواردی بوده است که تحقیر ملی ایرانیان را همیشه به همراه داشته است. غرور ملی روی دیگر سکه اقتدار ملی است. اقتدار ملی هم از جهت انتزاعی □ روانی و هم از عینی می‌تواند غرور ملی را به همراه داشته باشد. مهمترین عوامل رشد غرور ملی ایرانیان بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود: ۱- خروج کشور از بلوک‌بندی‌های وابسته به غرب ۲- مشارکت در انتخابات ۳- هاموردی با قدرت‌های بزرگ نظیر تصرف سفارت امریکا ۴- تولیدات علمی □ تکنولوژیکی ۵- اقتدار نظامی ۶- نفوذ منطقه‌ای ۷- پیروزی در یک جنگ طولانی و نابرابر و... موارد فوق به صورت مستقیم بر وحدت ملی نیز مؤثر بوده است. به طور مثال در مسئله هسته‌ای ایران علی‌رغم تهدیدهای مستمر نظامی و تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی، مشارکت مردم در انتخابات مختلف کاهش نمی‌یابد و مسئله هسته‌ای نه به عنوان یک دستاورد علمی، بلکه به عنوان یک سرمایه برای غرور ملی مورد توجه است. به طوری که حسن روحانی رئیس

جمهور وقت ایران در تاریخ ۹۲/۱۱/۷ در مصاحبه با شبکه CNN آمریکا مسئله هسته‌ای را جز غرور ملی ایرانیان دانست. نبود مستشار نظامی در کشور و اعتماد به منابع انسانی در عرصه‌های پیچیده صنعتی نیز از مهمترین شاخص‌های غرور ملی است. الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بین ملت‌های مسلمان و الگوگیری از آن در بخش‌هایی از جهان اسلام نیز واجد تولید غرور ملی است. پیشینه تاریخی ایران نیز واجد تولید غرور ملی است اما در ۱۵۰ سال منتهی به انقلاب اسلامی دچار خدشه جدی شد به همین دلیل رهبران انقلاب اسلامی اصرار دارند که جوانان ایران و خصوصاً دانشجویان تاریخ معاصر ایران را مطالعه کنند (آیت‌اله خامنه‌ای، ۸۵/۳/۵) تا دستاوردهای انقلاب اسلامی با گذشته

### قدرت و نفوذ منطقه‌ای

اگرچه ایران هیچ موقع سابقه استعمارشدگی ندارد اما می‌توان گفت از ۱۲۲۸ هجری (عهدنامه گلستان) تا انقلاب اسلامی، هیچ موقع به عنوان یک قدرت تأثیرگذار جهانی یا منطقه‌ای خودنمایی نکرده است و در سابقه آن چنین شاخصی ثبت نشده است. پهلوی دوم برای پر کردن خلع مشروعیت خویش پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کمک‌هایی را به کشورهای مدنظر مانند پاکستان می‌نمود اما وی بیشتر به دنبال کسب پرستیژ بود و شاخص‌های حقیقی نفوذ را نداشت چرا که وابستگی به غرب بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ این اجازه را به وی نمی‌داد. پس از انقلاب اسلامی، ایران از ائتلاف‌های وابسته به غرب خارج و به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شد. اکنون اگر میز مذاکره‌ای درباره لبنان، عراق، سوریه، فلسطین، افغانستان و ... وجود داشته باشد و ایران یک ضلع آن نباشد مسئله حل نخواهد شد. درخواست کمک آمریکا از ایران در مسائل افغانستان و عراق و سوریه علی‌رغم دشمنی دو کشور، نشانگر قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران است. این نفوذ مانند نفوذ شوروی سابق نیست که از جنس گسیل سرباز و انتصاب حاکمان دست نشانده باشد بلکه بر الهام‌بخشی استقرار و از پایگاه مردمی برخوردار است. امت وجه مشترک پیوند ایران با جهان اسلام است اما این خصیصه در دوران قبل از انقلاب اسلامی وجود نداشت. مسلمانان در ۳۷ کشور جهان از اکثریت اجتماعی برخوردارند که بخش قابل توجهی از این کشورها در حوزه خاورمیانه، شمال آفریقا و منطقه شبه قاره تا آسیای شرقی قرار دارند. قابل ذکر است اگرچه مسلمانان اصلی‌ترین مخاطبان منافع ملی ایران تلقی می‌شوند، اما بخش مرکزی منافع سیاسی و استراتژیک ایران توسط شیعیان حاصل خواهد شد. به طور مثال «جنبش حماس» و «حزب‌اله» در زمره نیروهای ضداسرائیلی محسوب می‌شوند. همبستگی‌های ایران و جنبش حزب‌اله منجر به ائتلاف استراتژیک بین آنان گردیده است (متقی، ۱۳۹۰، ص ۷۵). انقلاب اسلامی، رابطه شیعیان با جهان عرب و نمادهای حاکم بر آن را دگرگون نمود. در دوران‌های گذشته، شیعیان عرب رابطه با ایران را موضوع ناراحت‌کننده و خجالت‌آوری تلقی می‌کردند. علت این امر را می‌توان اولویت هویت عربی بر هویت ایدئولوژیک دانست. انقلاب اسلامی ایران تاریخ

را واژگون کرد. یک قیام به نام اسلام به پیروزی رسید و اصالت فرهنگی را در سیاست خارجی ارتقاء بخشید. از آن مقطع زمانی، مصالح لازم برای عملیاتی نمودن سیاست‌های رادیکال موعودگرایان بر اساس هویت شیعی ظهور یافت (عجمی، ۱۳۶۵، ص ۷۸۶).

رابطه هویت سیاسی شیعه و صدور انقلاب به حوزه‌های پیرامونی را می‌توان انعکاس شرایطی دانست که طی آن، مسلمانان سنی و شیعه نسبت به موج‌های مدرنیسم و ایدئولوژی‌های غیراسلامی دچار ناامیدی و سرخوردگی گردیدند. و اعتراضات خود را برای تغییر در شرایط اجتماعی نابرابر سازمان‌دهی نمودند. طبعاً این امر به گونه مشهودی تحت تأثیر روندهای سیاست خارجی ایران قرار داشته است (فولر، ۱۳۸۴، ص ۶۶). سیاست صدور انقلاب را می‌توان بر اساس جهت‌گیری نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی ایران تحلیل نمود. ایدئولوژی نظام سیاسی ایران به گونه‌ای است که سیاست صدور انقلاب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. منافع داخلی قدرت سیاسی ایران بر اساس حمایت مردم از نظام انقلابی می‌باشد. سیاست نه شرقی نه غربی زنگ خطر را علیه کشورهای حوزه خلیج فارس به صدا درآورد. به طور کلی، امنیت واحدهای محافظه‌کار و میانه‌روی عرب تحت تأثیر سیاست صدور انقلاب قرار گرفت (چوبین، ۱۳۶۰، ص ۶۲). فرایندی که در انقلاب ایران ایجاد شد، توسط سایر جنبش‌های انقلابی و گروه‌های سیاسی کشورهای خارومیانه نیز مورد پذیرش قرار گرفت. هم اکنون تعارض اصول‌گرایی اسلامی را با آمریکا و جهان عرب می‌توان پیامد روح ضدامریکایی ناشی از انقلاب اسلامی دانست.

الهام‌بخشی انقلاب اسلامی وجه تأثیرگذار آن در منطقه بود. روش ابزار مبارزه، ایدئولوژی، ایستادگی، نهراسیدن از مرگ، رهبری دینی و نتیجه‌گیری در انقلاب اسلامی، شاخص‌های این الهام‌بخشی بود. فتحی شقاقی رهبر فقید جهاد اسلامی فلسطین درباره نفوذ و تأثیر انقلاب اسلامی می‌نویسد: «تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام فقید در فلسطین قوی از هر مکان دیگر بود. زیرا مسلمانان فلسطین تحت اشغال وحشیانه صهیونیست‌ها، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند.» امام (ره) آمد تا به آنها امید بدهد و تأکید کند که دگر بار امت می‌تواند با الهام به پاخیزد. اسلام می‌تواند پیروز شود و حکومت خود را برقرار سازد (پاشاپوری، ۱۳۸۱، ص ۵۰). رئیس‌جمهور اسبق اسرائیل در پاسخ به اعتراض یهودیان آمریکا که وی را ناتوان در مبارزه با فلسطینیان معرفی می‌کنند می‌گوید: «تظاهرکنندگان مناطق اشغالی از طرفداران تفکر خمینی هستند و هیچ ارتباطی با سازمان آزادی بخش فلسطین ندارند. این جوانان می‌خواهند خیابان‌های اسرائیل را به خیابان‌های تهران و بیروت تبدیل کنند. اگر تظاهرات فلسطینی‌ها با همان تفکرات قبلی بود، خطری در برداشت و علت شدت عمل ما در برابر آنها این است که قیام تغییر ایدئولوژی داده و الهام‌بخش آن اسلام است.» (امرابی، ۱۳۸۲، ص ۶۰)

اصولاً می‌توان موارد ذیل را از عوامل نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی دانست: ۱- ایجاد

کارشکنی در طرح‌های منطقه‌ای غرب مانند حل یکطرفه مسئله فلسطین، خاورمیانه جدید و...  
 ۲- الهام‌بخشی ۳- احیاء روحیه شهادت‌طلبی ۴- پیدایش جنبش‌های اصیل اسلامی ۵- رشد  
 معنویت در خاورمیانه ۶- ابداع روز قدس ۷- ابداع برائت از مشرکین در مکه ۸- حمایت رسانه  
 از مسلمانان (گنجی، ۱۳۸۸ ص ۸۱)

در خصوص نفوذ قدرت منطقه‌ای ایران پس از انقلاب اسلامی اقدامات پژوهشی زیادی انجام  
 شده است که در این مختصر نمی‌گنجد اما بر تأثیر آن بین اندیشمندان اتفاق نظر وجود دارد.

### اسلام قدرت بسیج گر

ارزش و توان بسیج‌گری اسلام در دوران پس از انقلاب اسلامی با توجه به دو مسئله دیگر قابل  
 فهم است: ۱- مطالعه قدرت بسیج‌گری نظام سیاسی در ایران از شروع تجدد تا انقلاب اسلامی  
 ۲- فشارهای همه جانبه دنیای غرب برای ساقط کردن نظام سیاسی در ایران.

مطالعه دو مؤلفه مذکور می‌تواند شاخصی برای ارزیابی قدرت مذکور باشد. مقایسه دوران پس از  
 انقلاب با قبل از آن در بخش مقایسه الگوها آورده خواهد شد اما نمی‌توان تردید کرد که جمهوری  
 اسلامی در مقابل هجمه رسانه‌ای، اقتصادی، نظامی و فرهنگی غرب بر بسیج اجتماعی ملت تکیه  
 کرده است. بحران‌های سیاسی - اجتماعی و جنگ توسط توده‌های مردم مرتفع گردیده است.  
 جنگ هشت ساله با عراق با ارتش کلاسیک و فروپاشیده صدر انقلاب امکان‌پذیر نبود. مشارکت  
 سیاسی در ۳۲ انتخابات سراسری علی‌رغم جنگ، محاصره اقتصادی، کمبودها، تورم، بیکاری در  
 طول ۳۴ سال گذشته همیشه بین ۵۰ تا ۸۵ درصد بوده است. راهبرد غرب برای فروپاشی از  
 درون که در قالب جنبش‌های اجتماعی جدید و شخصیت‌پردازی انجام می‌شود با حضور میدانی  
 ملت ناکام مانده است. حوادث سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین  
 خلق در سال ۱۳۶۰ و ترور هزاران نفر از مسئولین و مردم عادی با حضور ملی مردم در صحنه به  
 شکست انجامیده است. قدرت بسیج‌گری در جمهوری اسلامی را باید متأثر از ایدئولوژی اسلام،  
 روحانیت شیعه، تاریخ عاشورا و تحقیر ملی ایرانیان در ۱۵۰ سال گذشته دانست.

در حوزه سلبی نیز نظام جمهوری اسلامی قدرت کنترل بسیج اجتماعی را دارد. به طور مثال  
 پس از خطبه نماز جمعه ۸۸/۳/۲۹ آیت‌اله خامنه‌ای و اطمینان به مردم مبنی بر عدم تقلب در  
 انتخابات، هرگز مردمی که در اعتراض به نتایج انتخاب در روز ۸۸/۳/۲۵ به خیابان‌ها آمده بودند  
 در آن سطح و کمیت برنگشتند.

دوام ۲۳۰ ساله حکومت صفویه در ایران و قدرت یکپارچه‌سازی ایران نشان می‌تواند که قدرت  
 بسیج‌گری اسلام و خصوصاً تفکر شیعی می‌تواند نجات‌بخش در بحران‌ها و تأمین‌کننده منافع  
 ملی باشد. این در حالی است که تاکنون از ابزار جهاد توسط رهبران انقلاب اسلامی استفاده  
 نشده است که اگر این بود، مانور اجتماعی مردم در صحنه‌های مختلف بیشتر نمایان می‌شد.  
 ایجاد فاصله بین مردم و حاکمیت یکی از مهمترین راهبردهای غرب در دو دهه اخیر بوده است

اما واکنش جمهوری اسلامی نسبت به آن بر بسیج اجتماعی استوار بوده است و تا حدود زیادی موفق عمل کرده است

مهمترین شاخص برای به میدان آوردن یک ملت در بحران‌های ملی ایدئولوژی بسیج‌گر است. مبارزه با دشمن و مرزبندی با غیریت، بدون ایدئولوژی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بایدها و نبایدهایی که ایدئولوژی طرح می‌نماید، بسیج یا عدم بسیج اجتماعی در راستای محقق کردن منافع ملی را رقم می‌زند. ایدئولوژی، چارچوب ذهنی جدیدی را برای سیاست خارجی به وجود می‌آورد تا بر اساس آن سیاست‌گذاران واقعیت‌ها را درک نمایند. در این روند، اطلاعات و پیام‌های واسطه از محیط بین‌المللی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ایدئولوژی اینگونه پیامها و اطلاعات را بر اساس طبقه‌بندی خاص مورد تفسیر و تبیین قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴). در نظام جمهوری اسلامی می‌توانیم از «جغرافیای ایدئولوژیک» نام ببریم و مذهب شیعه را می‌توان تشکیل دهنده قالب‌های ایدئولوژیک منافع ملی ایران دانست. بخش قابل توجهی از بازی سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس بهره‌گیری از کارت شیعی انجام می‌گیرد که زمینه‌های گسترش حوزه ایدئولوژیک و استراتژیک منافع ملی برای ایران ایجاد خواهد کرد. برخی از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که استفاده از ایدئولوژی، هزینه‌های زیادی برای ساختار سیاسی ایران ایجاد می‌کند، در حالی که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچر در خاورمیانه نشان می‌دهد که بهره‌گیری از مؤلفه‌های ایدئولوژیک و کارت شیعی بیشترین مطلوبیت استراتژیک را برای ایران بوجود آورده است و چون ایدئولوژی ماهیت سیال و پراکنده دارد، بنابراین طبیعی است که جغرافیای ایدئولوژیک منافع ملی ایران فراگیرتر از جغرافیای سرزمینی آن باشد (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۷۵). اهمیت ایدئولوژی اسلامی و شاخص‌های انقلابی شیعه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در راستای نقش موعودگرای رهبری سیاسی ایران دانست. زمانی که اهداف سیاسی ایران در جهت ایفای نقش جهانی سازماندهی می‌شود، نیروهیا اعتقادی و ایدئولوژیک در هر حوزه جغرافیایی و سیاسی مورد خطاب قرار خواهند گرفت. به همین علت امام خمینی ماهیت انقلاب ایران را رادیکال، ایدئولوژیک، انقلابی و در راستای نقد نقش سیاسی قدرت‌های بزرگ اعلام داشتند. به این ترتیب همانطور که امام خمینی خاطر نشان می‌کند، انقلاب اسلامی منحصر به ایران نیست، بلکه انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

گراهام فولر معتقد است: اگر این ایدئولوژی وضع منطقه‌ای را تهدید نمی‌کند چه چیز را نمایندگی می‌کند؟ در واقع این ایدئولوژی بنا‌گزیر باید وضع موجود را در منطقه تهدید کند، چرا که نقطه قوت آن دقیقاً در اندیشه آزادسازی، استقرار عدالت همگانی و ملهم از اسلام، انقلاب اجتماعی، قدرت بخشیدن به ستم‌دیدگان، اعتماد به نفس و تغییر تبلور می‌یابد (فولر، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰).

ایدئولوژی اسلام، رهبری محافظه‌کار منطقه را همواره تهدید می‌کند، تا آنجا که خطوط تفکیک نادرست تصادم بین‌المللی اجازه دهد، ایران می‌تواند در پی به دست گرفتن رهبری «جنوب» علیه «شمال» نیز باشد. این امر بیشترین سودمندی را برای سیاست خارجی ایران در پی خواهد داشت. اگر بر این اعتقاد باشیم که سیاست خارجی ایران در چارچوب فرهنگ سیاسی و سنت‌های ایدئولوژیک کشور طراحی شده است، بنابراین طبیعی است که موج‌های سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی بر اساس زیرساخت‌های فرهنگی جامعه ایران شکل گرفته و منعکس شود. کشوری که دارای روح آرمانی و انقلابی بوده و از سوی دیگر از ادبیات سیاسی رادیکال برای نفع اعتبار و مشروعیت قدرت‌های بزرگ برخوردار است، چنین قابلیت‌هایی را در ارتباط با حوزه منافع منطقه‌ای و همچنین جغرافیای ایدئولوژیک خود منعکس می‌سازد. گسترش جغرافیای ایدئولوژیک را باید مرهون فرایند بارورسازی هنجارهای سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی دانست زیرا؛ خصوصیات روان‌شناختی اسلام شیعی که تأکید بر فضایی از رنج و بی‌عدالتی را بهای ناگزیر تعهد به ایمان حقیقی می‌داند، این سوءظن و بیگانه‌ترسی تاریخی را تقویت می‌کند. بنابراین نوعی سوءظن و نخوت نسبت به دنیای خارج، با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آمیزش با قدرت‌های خارجی همراه است. در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیروهای خارجی ویرانگری بوده که سعی داشته‌اند ایران را به انقیاد خود درآورند، بهره‌گیری از زیرکی سنتی ایرانی یکی از ابزارهای مهم لازم برای استمرار بقا بوده است (فولر، ۱۳۸۴، ص ۱۱). بنابراین می‌توان اینگونه به قضاوت نشست که ایدئولوژی اسلام در ایران دو کارکرد مهم و کم نظیر ایفا می‌کند. اول اینکه قدرت استقلال خواهی و خروج از انقیاد و تحقیر سال‌های متمادی را کسب نموده است و نه تنها استقلال سیاسی و عدالت خواهی بین‌المللی را وجه همت خود قرار داد، بلکه ملت‌های دیگر را به خروج از سلطه دیگران تشویق می‌کند. دوم اینکه برای مقابله با قدرت‌های بزرگ که از ابزارهای پیچیده رسانه‌ای، سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کنند، ملت را به میدان مقابله و ایستادگی می‌کشاند، مقایسه وضعیت، مبارزه، استقلال خواهی و جایگاه منطقه‌ای ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، کارکرد مؤثر ایدئولوژی موجود را به خوبی برجسته می‌سازد. مقایسه شود و اینچنین غرور ملی و اعتماد ملی افزایش یابد.

## استقلال سیاسی

استقلال یکی از سه شعار محوری انقلاب اسلامی بود که مهمترین منفعت ملی به شمار می‌آید. اگرچه ایران از جهت حقوقی فاقد سابقه وابستگی و استعمارزدگی است و همچنین فاقد تاریخ استقلال است اما همه تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران سیاسی متفق‌القول هستند که از جنگ اول ایران و روس و قراردادهای مربوط به آن و سپس قراردادهای متنوع استعماری تا اشغال نظامی و همچنین سه کودتای سیاسی در ایران همگی نشان می‌دهد که ایران به کشوری وابسته تبدیل شده بود، سیل حضور مستشاران آمریکایی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران و دخالت

در همه شئون کشور و همچنین تعویض نخست‌وزیران توسط غرب انجام می‌شد. بنابراین به دست آوردن استقلال سیاسی حقیقی در سایه راهبرد «نه شرقی و نه غربی» و «نفی سبیل» در انقلاب اسلامی اتفاق افتاد.

آنچه موجب شد نابرابری اقتصادی و نظامی باعث تسلط بر ایران نگردد، بسیج مردمی و دفاع مردمی و حضور ملت در صحنه بود. بنابراین حفظ استقلال ایران را باید به صورت توأمان به وطن دوستی و اسلام خواهی ارجاع نمود چرا که مولدان اندیشه انقلاب اسلامی از جوهره دینی برخوردار بودند و حاملان این اندیشه از متن ملت به پا خاسته بودند. امروز بین نخبگان سیاسی درون و بیرون حاکمیت، اپوزیسیون داخل و خارج و همچنین کشورهای متخاصم و حاکمیت مستقر یک نگاه مشترک و غیرقابل خدشه وجود دارد و آن اجماع بر سر استقلال سیاسی ایران است. این استقلال سیاسی ایران است که موجب می‌شود در صحنه بین‌الملل مستقلاً تصمیم بگیریم و در ائتلاف‌ها و اتحاد مبنی بر منافع ملی و مصالح اسلامی وارد شویم و نیاز به تصمیم دیگران نداشته باشیم. به همین دلیل ایران از سوی غرب «محور شرارت» معرفی می‌شود چرا که از فرامین آنان و منافع مربوط به آنان حمایت نمی‌کند.

امام خمینی معتقد است: «همه توطئه جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم.» (همان، جلد ۲۱، ص ۲۹۰) امام خمینی با صراحت و صداقت استقلال سیاسی ایران را به اراده ملی ارجاع می‌دهد و استقامت ملت را رمز پیروزی بر همه توطئه‌ها می‌داند: «ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده‌است. آیا ملت ایران در مقابل جنایات متعدد آمریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوه‌های نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی‌های سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمباران مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حيله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ اگر نبود حضور مردم هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نکند.» (همان، جلد ۲۱، ص ۸۶). لذا انسجام ملی - اسلامی ایرانیان بوده است که استقلال سیاسی را فراهم کرده است و هزینه‌های استقلال را ملت ایران به صورت داوطلبانه پرداخت کرد.

در خصوص تصمیمات سیاسی و استراتژیک و حتی حیاتی کشور نیز مسئولین به اراده خود



متکی هستند و جسارت و شهامت خود را از پیوند مردمی نظام جمهوری اسلامی می‌گیرند. تنظیم قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که اکثر بندهای آن به نفع ایران بود، نشانگر دست برتر ایران در جنگ بوده است که علی‌رغم نفوذ دشمنان ایران در آن شورا، قطعنامه مذکور منافع ملی ایران را تأمین می‌کرد. در خصوص پذیرش این قطعنامه که مرحله سرنوشت‌سازی از استقلال سیاسی کشور را رقم می‌زد امام خمینی می‌نویسد: «نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به انکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی کشوری در این امر مداخله نداشته‌است. (صحیفه‌امام، جلد ۲۱، ص ۹۵) و در جایی دیگر می‌گوید: با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آنرا به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.» (صحیفه‌امام، جلد ۲۱، ص ۹۲).

در سرنوشت‌سازترین تصمیم کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ‌کس یا هیچ کشوری، حتی در سطح کارشناسی دخالت نداشته است و کمتر کشوری را می‌توان یافت که بعد از هشت سال جنگ فراگیر رأساً تصمیم بگیرد که این مسئله نشان از استقلال کامل و واقعی در عرصه سیاسی است. این استقلال در تصمیم‌گیری زمانی اتفاق افتاد که هنوز جهان در فضای دوقطبی به سر می‌برد و بلوک شرق پابرجا بود. این در حالی است که علی‌رغم استقلال ظاهری ایران در دوران پهلوی، آمد و رفت پدر و پسر با دخالت مستقیم آمریکا و انگلیس بود و در میانه راه نیز (کودتای ۱۳۳۲) مجدداً قدرت‌های غربی با کودتا علیه دولت ملی وقت، شاه را به قدرت برگردانند که در بخش دیگری از همین پژوهش به تأثیر آن بر منافع ملی سخن خواهیم گفت. میان قدرت و منافع ملی رابطه تنگاتنگی وجود دارد (تاجیک، ۱۳۸۰، ص ۵۲) بنابراین حفظ و استمرار استقلال سیاسی در ایران بر احساس کدام مؤلفه‌ها و قدرت اتفاق افتاده است؟ آیا می‌توان قدرت نظامی و اقتصادی ایران را عاملی برای حفظ استقلال سیاسی دانست؟ آیا می‌توان گفت حاکمیت دینی در ایران مبتنی بر مؤلفه‌های کلیشه‌ای قدرت همچون جمعیت، ثروت و وسعت، پای استقلال سیاسی ایستاده است؟ یقیناً در شاخص‌های مذکور نمی‌توان ایران را برتر از قدرت‌های متخاصم دانست. لذا می‌توان گفت آنچه این جسارت ملی برای حفظ استقلال سیاسی را مهیا نموده است عبارت‌از: رهبری دینی و بسیج عمومی ایرانیان و حضور عمومی آنان در میدان دفاع از استقلال سیاسی. در این مهم نیز همسوئی و حضور دو عنصر اسلام و ناسیونالیسم را می‌توان توأمان دید.

استقلال‌گرایی انقلاب اسلامی ایران بازتاب خود را در ارتباط با جهت‌گیری‌های جدید کشور منعکس نمود. زمانی که نظام سیاسی نفوذناپذیر ایجاد می‌شود، الگوهای محافظه‌کارانه ظهور می‌یابد، در حالی که انقلاب اسلامی ایران را باید واکنشی نسبت به فضای سیاسی نفوذ پذیر دانست. این امر آثار و نتایج خود را در مقابله با الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ منعکس نمود (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۸). به همین دلیل راهبرد «نه شرقی و نه غربی» به عنوان

رهنمای سیاست خارجی ایران اعلام شد و در عمل نیز کسی نتوانسته است از بعد سیاسی این راهبرد را خدشه‌دار نماید. نفی اقتدارگرایان بین‌المللی را می‌توان در ذات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد ملاحظه قرار داد زیرا مدل اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های نه شرقی و - نه غربی شکل گرفته است. شرق و غرب دارای ابعاد و مؤلفه‌های ایدئولوژیک و همچنین ژئوپلیتیک می‌باشد. پژوهشگرانی مانند: «نیکی کدی»، «گازپوروسکی»، «اریک هوگلند»، «ریچارد کاتم»، «موریل آتکین» و «ریچارد هرمن» تلاش مؤثری انجام دادند تا واقعیت سیاسی خارجی ایران را که از انقلاب و اسلام ناشی می‌گردد بازبینی و تفسیر نمایند. تمامی پژوهشگران یاد شده بر چالش ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک ایران با آمریکا، اتحاد شوروی و سایر قسمت‌های بزرگ تأکید داشتند... در دوران نظام دوقطبی ایران به جای ایجاد تعادل یا موازنه مثبت با قدرت‌های بزرگ درصدد برآمد تا عرصه‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیک آنان را با چالش همراه سازد (گازپوروسکی، ۱۳۷۹، ص ۰۷).

### وحدت ملی رکن رکن اقتدار ملی

همسوئی اهداف و آرمان‌های اجزای یک ملت می‌تواند نویدبخش وحدت ملی باشد. هویت مشترک دینی و ایضاً مسائلی مانند عدالت توزیعی، دشمنان مشترک و کارآمدی از عناصر مهم در وحدت ملی هستند. وحدت ملی با منافع عمومی و مصالح یک کشور گره می‌خورد و هویت منسجمی را ایجاد می‌کند که نظام موجود را در دستیابی به اهداف و عبور از بحران‌ها و رسیدن به توسعه یاری می‌دهد. در یک تعریف کلی می‌توان گفت وحدت ملی عبارت است از چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور (جلیل روشندل، ۱۳۷۴، ص ۲۳) که بر همین میزان رابطه بین حکومت و مردم منطقی و در چارچوب قانون باشد. مشروعیت، محبوبیت و اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام سیاسی حاکم در جهت تحقق بخشیدن به مصالح و منافع ملی افزایش می‌یابد و وحدت ملی نیز شکل می‌گیرد در حقیقت وحدت ملی به احساس همبستگی ملی از یک سو و اعتماد مردم به حاکمیت از سوی دیگر متکی است. در این راستا به هر میزان آموزه‌های ملی و فرهنگی با اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی در روند جامعه‌پذیری سیاسی مردم هماهنگ باشد و آموزش‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم در سطح جامعه نهادینه شده باشد، ضریب افزایش همبستگی ملی را شاهد خواهیم بود و تقویت روحیه ملی در راستای مواجهه با بحران‌های احتمالی و داخلی و بین‌المللی محقق خواهد شد.

نظام جمهوری اسلامی در دو سال اول پیروزی انقلاب اسلامی توانست شکاف‌های واگراپانه و تجزیه‌طلبانه قومی را به نفع وحدت ملی پایان دهد که این امر می‌تواند از دو عامل نشأت گرفته باشد: ۱- توجه به محرومیت مناطق قومی و بردن امکاناتی همچون سیستم آموزش عالی، صنایع مختلف و امکانات زیربنایی به مناطق قومی ۲- تکیه بر اسلام به عنوان فصل

مشترک همه اقوام ایرانی این مهم را نهادینه نموده است. بنابراین مانورهای وحدت‌آفرین همچون راهپیمایی‌های ملی مانند ۲۲ بهمن هر سال یا در قیام دی‌ماه ۱۳۸۸ حضور مردم همه‌ی شهرهای قومی و مذهبی همانند مرکزیت کشور مشهود بوده است. در پنج سال گذشته رهبری ایران به مناطق قومی - مذهبی همچون استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه و خراسان شمالی سفر نموده‌اند. در این استان‌ها استقبال مردمی کمتر از دیگر مناطق نبوده است از طرفی تجزیه‌طلبی در ایران امری برون‌زا و دارای محرک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است اما هیچ اقدام مؤثری در راستای خدشه به وحدت ملی ایران مؤثر نبوده است. این در حالی است که در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ خورشیدی آذربایجان و کردستان به سمت تجزیه‌طلبی رفته و پارلمان محلی نیز تشکیل داده بودند. در انتخابات مختلف نیز همبستگی معناداری بین همه بخش‌های کشور از نظر میزان حضور در پای صندوق رأی وجود دارد که نشان از استحکام وحدت ملی است. اقدامات مخرب بیرونی همچون ممانعت از رشد هسته‌ای، ترور اندیشمندان یا انفجار اماکن مذهبی نیز عاملی برای غیریت‌سازی مضاعف است که روی دیگر سکه‌ی آن انسجام ملی است. از دیدگاه آیت‌اله خامنه‌ای، «دشمنان جمهوری اسلامی ایران در سه محور اساسی به دنبال برهم زدن امنیت ملی و وحدت ملی هستند؛ اول عبارت‌است از تخریب وحدت ملی و یکپارچگی ملت ایران، دوم تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم، سوم تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم.» (آیت‌اله خامنه‌ای، نماز جمعه ۷۸/۹/۲۶). بنابراین «امید» نیز از عناصر وحدت بخش می‌باشد که از درک مشترک ملی از آینده نشأت می‌گیرد. وحدت ملی، پایبندی به اصول و پیشرفت در علم و فن‌آوری سه عنصر اصلی تأثیرگذار بر اقتدار ملی هستند (آیت‌اله خامنه‌ای، ۸۷/۵/۱۹). بنابراین اقتدار ملی که ضامن حفظ امنیت ملی است نیز از مسیر وحدت ملی می‌گذرد و پیش‌نیاز آن محسوب می‌شود تهدید وحدت ملی هم می‌تواند امری برون‌زا باشد و هم امری درون‌زا. در ایران امروز وحدت ملی از درون با تهدید جدی مواجه نیست، اپوزیسیون ضعیف، (مانند رأی لیست نهضت آزادی در انتخابات شوراهای دور دوم در تهران) عدم وجود گفتمان تجزیه‌طلبی مستقل، و شکل‌گیری زیرساخت‌های توسعه و توزیع در کشور توانسته است تا حد زیادی این مهم را تأمین نماید. اما تهدیدات وحدت ملی از ناحیه بیرونی در ۳۴ ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همیشه به عنوان یک متغیر ثابت وجود داشته است و امنیت ملی و وحدت ملی را تهدید نموده است که جمهوری اسلامی و ملت تاکنون بر آن فایق آمده‌اند.

### قدرت گفتمان‌سازی

وجود گفتمان مسلط لازمه استمرار یک اندیشه در عرصه سیاسی و اجتماعی است. گفتمان اسلام سیاسی این قابلیت و اعتبار را تاکنون در ایران داشته است و گفتمان‌های رقیب نتوانسته‌اند موجب از جا کنندگی آن شوند. غیریت‌سازی افناگر در گفتمان اسلام سیاسی محور اصلی در دوام

آن بوده است. برخلاف گفتمان پهلویسم که غیریت را اسلام تعریف می‌کرد و مرزهای هویتی خود را به باستان و تجدد ارجاع می‌داد، گفتمان اسلام سیاسی امت‌گرایی و ملت‌گرایی را همسو و قابل جمع‌بندی می‌داند. تولید مفاهیم جدید به استقرار و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی کمک نمود چرا که استفاده از مفاهیم تولیدی و رسا و قابل فهم یکی از شاخص‌های گفتمان‌سازی بوده است. جمهوری اسلامی «استکبار» را به جای «امپریالیسم» و «شیطان بزرگ» را به جای «امریکا» مفهوم‌سازی نمود و مفاهیم قرآنی را نیز در غیریت‌سازی برجسته نمود. برای ملت‌سازی با خرده گفتمان‌های قومی، محلی درگیر نشد و ابرگفتمان خود را اسلام قرار داد. تلاش برای معرفی گفتمان رقیب با شاخص‌هایی همچون سرمایه‌داری، ولنگاری فرهنگی، سلطه‌طلبی، قتل و تجاوز بین‌المللی، گفتمان جمهوری اسلامی را به گفتمانی ظلم‌ستیز و مقاوم تبدیل کرده است و رفت برگشت بین گفتمان عزت‌طلبی عاشورا در سال ۶۱ هجری و اکنون، این همانندسازی را در اذهان عمومی تثبیت نمود که «انقلاب ما جلوه‌ای از انقلاب عاشورا است» گفتمان حسینی، یزیدی در برخورد با پهلوی دوم و صدام حسین از دیگر مفاهیمی است که موجب تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی شد. گفتمان انقلاب اسلامی مدعی معنابخشی به عناصر گفتمانی جهانی همچون آزادی، حقوق بشر، دموکراسی، خلع سلاح هسته‌ای، صلح، تروریسم و عدالت است و تلاش می‌نماید تفسیر گفتمان لیبرالیسم از مفاهیم جهانی را دروغین و ریاکارانه معرفی نماید. این تلاش تا حدودی در جهان اسلام مؤثر واقع شده است.

## تهدیدات اقتدار ملی از دیدگاه امام (ره)

عمده تهدیدات نرم دشمن توسط امام با عناوینی مانند صدمه به اسلام، صدمه به امت، صدمه به ملت، صدمه به اولویت جمهوری اسلامی ایران و صدمه به کشور، مفهوم‌سازی می‌شود که عبارتند از:

### ۱. کاهش مشارکت سیاسی

شرکت در انتخابات یک تکلیف با هدف حفظ اسلام است (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۶) کاهش مشارکت ممکن است نتیجه آن سست شدن پایه‌های جمهوری باشد (همان، ج ۱۵، ص ۲۶۱) از سوی دیگر مشارکت روحانیون در سیاست (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۰۹) در کنار لزوم مشارکت غیرروحانیون در سیاست یک ضرورت است (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۶۸)

### ۲. ترس و خودباختگی در برابر قدرت‌ها:

غلبه ترس بر ملت با ابزار تبلیغات (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۰۱) و همچنین ترس در میان مقامات بالای کشور (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵) وابستگی یک ملت به بیگانگان (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵) موجب تضعیف کشور می‌شود بنابراین از دیدگاه امام تبلیغات ابزار جنگ نرم است که می‌تواند با ایجاد رعب در مسئولین، وابستگی ملت را به ارمغان بیاورد.

### ۳. ناامیدی، یأس و بی‌تفاوتی مردم:

بی‌تفاوتی مردم در برابر آسیب‌های کشور (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۰) و غفلت کردن از مسائل سیاسی - اجتماعی باعث تسلط مجدد اجانب بر کلیه شئون کشور خواهد بود راه مقابله با این معضل ایجاد امید در ملت است (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۳۷) محور مقابله با تهدید در نگاه امام ملت است و بی‌تفاوتی مردم را معادل نفوذ اجانب می‌داند و امید را مؤلفه پیونددهنده رشد و انسجام کشور معرفی می‌نماید.

### ۴. اختلافات و تبلیغ آن:

اختلافات درون ملت و نخبگان و حاکمیت یکی از محورهای کارگر شدن اهداف جنگ نرم است، که نقطه مقابل آن وحدت ملی است. اختلاف میان علماء نتیجه آن اختلاف میان ملت است (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۸) لذا پیوند بین علما می‌تواند وحدت ملی را به ارمغان آورد و این خود نشانه‌دهنده درهم‌تنیدگی نهاد دین و ملت است. اختلاف میان شیعه و سنی (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۹۹) اختلاف سران کشور (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۸) اختلاف و دشمنی میان قومیت‌ها (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۳) گسست بین دولت و روحانیت (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۵۷) و دامن زدن به اختلافات از طریق تبلیغ و بزرگنمایی، منشأ تمام بدبختی‌های مسلمانان است. (صحیفه امام، ص ۲۹۳) امام خمینی می‌داند که دولت منهای اسلام به معنای توفیق ناسیونالیسمی است که سال‌ها در ایران تبلیغ شده است که ضمن تقابل با دین نتوانست مردم را در راستای حفظ و گسترش منافع ملی بسیج نماید لذا هنگام همسویی ملی و اسلام، بر اولویت اسلام تأکید دارد. «مسئله اسلامی بودن اصلی است یعنی نمی‌توانیم اول ملی باشیم و بعد اسلامی، در حالیکه اسلام تنها راه نجات است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۰۳).

### ۵. وابستگی:

امام وابستگی را در حوزه فکری، فرهنگی و اقتصادی برجسته‌تر از ابعاد دیگر می‌داند و این وابستگی را تهدید برای منافع حیاتی کشور قلمداد می‌کند به تعبیر دیگر این وابستگی‌ها اصل استقلال را دچار خدشه می‌کند. وابستگی دانشگاه‌ها به بیگانگان خصوصاً غربی‌ها (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۶) آخوندهای وابسته (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۳) روشنفکران وابسته (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۲۲) وابستگی اقتصادی به بیگانگان (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۱۳) به ترتیب با تعابیری مانند خطرش از بمب خوشه‌ای بالاتر است (دانشگاه) از ساواکی برای اسلام و جمهوری اسلامی ایران خطرناک‌تر است (آخوند وابسته) صدمه بی‌بدیل ایران، اسارت ملت (وابستگی اقتصادی) معرفی گشته‌اند.

**مقام معظم رهبری تهدیدات افتدار ملی را در چند محور بیان می‌نماید که عبارتند از:**

۱. اسلام زدایی از حاکمیت:

تهدید علیه بودن انقلاب از جمله تهدیدات دائمی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف مانند استحاله کردن، و یا حذف فیزیکی عمل می‌شود.

## ۲. تضعیف ایمان و معنویت مردم:

تخریب ایمان و باورهای کارساز مردم هدف دشمنان است و از آنجایی که مردم مؤمن و فداکار عامل پیروزی اسلام و ملت ایران است، دشمنان می‌خواهند این عامل را از بین ببرند (حدیث ولایت، ج ۷، ص ۹) از بین رفتن روح ایمان و تمسک به اسلام در ملت ایران در حقیقت باعث سست شدن پایه‌های استقلال ملت می‌گردد. (حدیث ولایت، ج ۶، ص ۵۴) بنابراین پایه استقلال را ملت و حضور ملت می‌داند اما عامل بسیج‌گر این ملت به ایمانی الهی نسبت داده می‌شود نه عناصر ناسیونالیسم

## ۳. نا امید کردن ملت:

بیشترین تلاش جبهه سیاسی ابتکار ناامیدسازی ملت ایران است (همان، ص ۱۵۵) از سوی دیگر بی‌اعتماد کردن و مأیوس کردن مردم از خودشان نیز از اهداف آنان است. این کار را از طریق کوچک‌سازی دستاوردهای ملت، نادیده انگاری پیشرفت‌های ملت به انجام می‌رسانند (حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۵).

## ۴. جدا کردن ملت از گذشته خود:

جدایی افکنی میان گذشته هر نسل، دستاوردهای و افتخارات آن و بی‌ریشه کردن سنت‌ها و جداسازی ملت ایران از دستاوردهای گذشته انقلاب و دوران مشعشع امام خمینی (ره) از تهدیدات جدی دشمنان است (حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۸۵).

## ۵. تهاجم فرهنگی:

تهاجم به این روش مرزهای وسیعی دارد. این نوع تهاجم متوجه اسلام می‌باشد. لذا تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اسلام و آموزه‌های اسلامی که میان توده‌های مردم نفوذ دارد را در بر می‌گیرد. (همان، ص ۴۰) علاوه بر آن بر جنبه‌های فکری، اخلاقی و ایمانی مردم نیز تهاجم شکل گرفته است. (همان، ج ۷، ص ۲۸۸).

## ۶. تهاجم روانی

توطئه کردن از طریق دروغ پراکنی و شایعه‌سازی به امید ترساندن ملت و کور کردن آنان (همان، ص ۲۸۲) ایجاد اختلاف در میان مردم، مردم با دولت و میان احاد ملت و قشرهای مختلف مردم و از این مسیر تخریب وحدت ملی اتحاد عمومی ملت (راهبردهای ولایت: ج ۴، ص ۷) تشویش افکار عمومی یعنی ایجاد تشنج و جنجال در فضای سیاسی با هدف نشان دادن ناامنی (همان، ج ۳، ص ۲۸) بزرگنمایی مشکلات و ضعف‌های کشور و تیره و تار نشان دادن کشور (حدیث ولایت، ج ۳، ص ۳۱۲) ممزوج کردن حق و باطل و به دنبال آن ایجاد انحراف اذهان عمومی (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۷/۱۲) از جمله آماج تهدیدات روانی دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است.

## ۷. بی‌اعتمادی به نظام و مسئولین:

وجود فاصله میان مردم و مسئولین، دلچرکین بودن مردم از مسئولین، از دست رفتن اعتماد به کارگزاران کشور از جمله تهدیدات کشور می‌باشد. (راهبردهای ولایت، ج ۸، ص ۱۹۶) از سخنان رهبران انقلاب اسلامی چنین بر می‌آید که هدف اصلی تهدیدات بیرونی حذف پشتوانه مردمی، ملت از حاکمیت اسلامی است. بنابراین می‌دانند که راه مقابله با تهدیدات مذکور از مسیر بسیج اجتماعی در راستای حفظ منافع ملی می‌گذرد و در این رهگذر راه موفقیت را همسوئی بین اسلام و ملت می‌دانند و رمز پیروزی و استقامت را در این نقطه جستجو می‌کنند. مقایسه مقابله با تهدیدات سخت و نرم سال‌های پس از انقلاب اسلامی با بقیه تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که این الگو بهترین الگو در راستای حفظ ابعاد مختلف منافع ملی است. از آنجا که حفظ اعتماد ملت تنها پشتوانه حاکمیت سیاسی در مقابله با تهدیدات است و ایدئولوژی بسیج‌گر ملت به اسلام ارجاع داده می‌شود توجه به راهبردها و اهداف مرجع ذیل جهت حفظ این یگانگی و استمرار ایستادگی ملی لازم است. «کارآمدی» و «رضایت نسبی» می‌تواند «اعتماد ملی» و «وحدت ملی» را به ارمغان آورد و حضور مردم را در صحنه‌های تهدید نرم دو چندان نماید که در جدول آمده است. این جدول می‌دهد که تهدیداتی که وحدت ملی و منافع ملی را در این الگو نشانه رفته است چیست و راه مقابله با آن چگونه است.

## منابع و مأخذ:

۱. متقی، ابراهیم و پوستین چی، زهره - الگو و روند سیاست خارجی ایران، نشر مفید قم ۱۳۹۰
۲. اقتدار ملی در کلام رهبر معظم انقلاب، ستاد کل نیروهای مسلح، تهران ۱۳۸۰
۳. صحیفه امام، جلد ۲۱
۴. گنجی عبدالله، موج سوم بیداری اسلامی، اندیشه سازان نور ۱۳۸۸
۵. [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) ۱۳۸۷/۵/۱۹

سورۃ التوٰہیٰ فی تفسیر القرآن مجلہ ۱۱



تجدید و تحول

تداوم انقلابی گری شرط  
لازم برای حفظ جمهوری  
اسلامی

خرداد ۱۳۹۵

دکتر یدالله جوانی

**چکیده:**

از نظر فقهی حفظ جمهوری اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، اوجب واجبات است. آن چیزی که باعث توطئه‌ها و نقشه‌های فراوان علیه جمهوری اسلامی طی ۳۷ سال گذشته شده، تداوم روح انقلابی‌گری در کالبد جمهوری اسلامی است. دشمنان با ماهیت دینی و انقلابی جمهوری اسلامی مشکل دارند و بر همین اساس، مبارزه با این ماهیت را در اولویت قرار داده‌اند. در چنین شرایطی، تنها شرط حفظ جمهوری اسلامی و تحقق آرمانهای انقلابی آن، داشتن روحیه انقلابی و تداوم انقلابی‌گری بر اساس الگوی کامل این عرصه، یعنی حضرت امام(ره) است. از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای(مدظله العالی)، پنج شاخص عمده انقلابی‌گری عبارت است از:

- ۱- پایبندی به مبانی و ارزشهای انقلاب اسلامی
  - ۲- هدف‌گیری مستمر آرمانها و همت بلند برای رسیدن به آنها
  - ۳- پایبندی به استقلال همه جانبه کشور
  - ۴- حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او
  - ۵- تقوای دینی و سیاسی
- با برخورداری از این شاخص‌ها و حرکت در مسیر انقلاب، هم جمهوری اسلامی حفظ خواهد شد و هم آرمانهای انقلاب اسلامی تحقق خواهد یافت و در غیر این صورت، ملت ایران و اسلام با هم سیلی خواهند خورد.

## مقدمه:

در سال های پایانی دهه چهارم انقلاب اسلامی قرار داریم و تجربه ۳۷ سال گذشته، نشان می دهد توطئه ها و نقشه های دشمنان در ضربه زدن به انقلاب اسلامی و فروریختن جمهوری اسلامی، پایانی ندارد. جمهوری اسلامی مهم ترین و عینی ترین دستاورد انقلاب اسلامی است. انقلاب در یکی از راهبردی ترین کشورهای جهان، رژیم طاغوت وابسته به استکبار را فروریخت و با استقرار جمهوری اسلامی در ایران، به نفوذ و سلطه غرب و خصوصا نفوذ و حضور آمریکایی ها در این کشور پایان داد. جمهوری اسلامی در گذر زمان با پافشاری بر اصول و آرمان های انقلاب اسلامی، الهام بخش ملل محروم و مستضعف گشت و اینک؛ رویارویی همه جانبه دو جبهه مستضعفین با محوریت جمهوری اسلامی و مستکبرین با محوریت آمریکا، یکی از واقعیتهای زمان ما است. اکنون حق و باطل، اسلام و کفر، و جبهه انقلاب اسلامی با جبهه مستکبرین، در تمامی حوزه ها و صحنه های ممکن در مقابل و رویاروی هم قرار گرفته، یکی از بزرگترین و سرنوشت ساز ترین نبردهای تاریخی بین دو جبهه نور و ظلمت، الله و طاغوت، در جریان است. حفظ جمهوری اسلامی در این صحنه نبرد، سرنوشت نهایی این رویارویی را تعیین می کند. سخن حضرت امام خمینی(ره) در سال های آغازین تشکیل جمهوری اسلامی مبنی بر: « حفظ جمهوری اسلامی اوجب واجبات است.»، نشان می دهد که چگونه آن عزیز سفر کرده، حجم توطئه ها و فشارها و فتنه ها بر علیه جمهوری اسلامی، با هدف فروریختن این نظام نوپای دینی را پیش بینی می کردند. در این نوشتار، عامل «تداوم انقلابی گری»، به عنوان شرط لازم برای حفظ جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

## میزان وجوب حفظ جمهوری اسلامی

برای مومنین و متدینین و کسانی که به دنبال انجام تکالیف شرعی خود هستند، پاسخ به این سوال ضروری است که: حفظ جمهوری اسلامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ واجب است یا مستحب؟ اگر واجب است، میزان اهمیت این وجوب نسبت به سایر واجبات چگونه است؟ دقت در بیانات حضرت امام خمینی(ره)، پاسخ این سوالات را روشن می نماید. ایشان در این خصوص می فرمایند: « چنانچه همه ما، همه شما، همه ملت و خصوصا روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم... به سر انقلاب آن خواهد آمد که بر سر مشروطه آمد... حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و خطبا در مناظر خودشان مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید.» جمله کوتاه و پر معنای حضرت روح الله مبنی بر، « حفظ جمهوری اسلامی اوجب واجبات است.»، میزان اهمیت این وجوب را نشان می دهد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در این خصوص می فرمایند: « حفظ نظام، واجب است و اوجب همه ی امور است.»، « حفظ نظام اسلامی، از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر

باشد، اسلام را نفهمیده است.» «معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم.»

### چگونه می توان جمهوری اسلامی را حفظ کرد؟

منظور از حفظ جمهوری اسلامی چیست؟ چگونه می توان جمهوری اسلامی را حفظ کرد؟ برای پاسخ به این قبیل سوالات، باید به این نکته توجه داشت که دشمنان، استکبار، جهانی و تمامی مخالفین جمهوری اسلامی، با ماهیت دینی و محتوای انقلابی جمهوری اسلامی مشکل دارند. مشکل آنان، با اسم جمهوری اسلامی نیست. اکنون در کشور همسایه یعنی پاکستان، عنوان نظام سیاسی مستقر، «جمهوری اسلامی پاکستان» است؛ لکن آمریکایی ها، اروپایی ها، صهیونیست ها و دولت های مرتجع عربی در منطقه، با این جمهوری اسلامی، هیچ مشکلی ندارند. مشکل غرب و آمریکا با ملت ایران، نه بر سر عنوان و اسم جمهوری اسلامی، بلکه بر سر ماهیت دینی و محتوای انقلابی این نظام است. به عبارت دیگر؛ آن جمهوری اسلامی برای دشمنان خطرناک است که، روح انقلابی و انقلابی گری بر آن و مسئولانش حاکم باشد. اگر جمهوری اسلامی از مبانی انقلاب، از اصول انقلاب، از آرمان ها و اهداف انقلاب دست بردارد و یا فاصله بگیرد، دیگر این جمهوری اسلامی برای دشمنان خطر آفرین خواهد بود و آنان نیز با چنین جمهوری اسلامی مشکلی نخواهند داشت.

بنابراین حفظ جمهوری اسلامی، یعنی حفظ آن رویکردها، سیاست ها، و راهبردهایی که بر مبانی آنها، می توان اهداف والای انقلاب اسلامی را تحقق بخشید و به آرمان های انقلاب نزدیک شد. در واقع نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که برای تحقق آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی شکل گرفته است. دشمنان نگران تحقق آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی هستند. دشمنان نگران پی ریزی تمدن نوین اسلامی هستند. دشمنان نگران شکل گیری وحدت امت اسلامی و تشکیل قطب قدرت جهان اسلام در عرصه بین الملل هستند. دشمنان نگران فتح سنگرهای کلیدی جهان از سوی مسلمانان بر اساس آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی هستند. بنابراین، جمهوری اسلامی با جهت گیری های انقلابی برای دشمنان خطرناک است و آنان، با همین جهت گیری ها، رویکردها و سیاست های انقلابی مخالفند. فلذا وجوب حفظ جمهوری اسلامی، به وجوب حفظ همین جهت گیری های انقلابی بر می گردد.

### تداوم انقلابی گری شرط لازم برای حفظ جمهوری اسلامی

شرط لازم برای حفظ جمهوری اسلامی، استمرار روح انقلابی در احاد ملت ایران، با هدف تحقق آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی است. حضرت امام (ره)، معتقد به «اسلام انقلابی» و «اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله)» بود و از نظر ایشان در نقطه مقابل «اسلام ناب» و «اسلام انقلابی»، «اسلام محافظه کار»، «اسلام سازش»، «اسلام ذلت و نکبت»، «اسلام زور و

سرمایه»، «اسلام ملاحی کثیف» و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» قرار دارد. دشمنان، مخالفان و منحرفان و غیر معتقدین به «اسلام انقلابی» و «انقلاب اسلامی»، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش بسیار کردند تا اسلام حاکم بر جمهوری اسلامی و فضای جامعه در درون پس از انقلاب، «اسلام سازش»، و «اسلام آمریکایی» باشد. حضرت امام (ره)، حفظ آن جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می دانستند که، روح اسلام انقلابی بر آن حاکم باشد.

بنابراین از دیدگاه امام (ره)، جمهوری اسلامی حقیقی، یک پیوند و رابطه ی ناگسستنی با انقلاب اسلامی دارد و این رابطه، رابطه ظرف و مظروف است. بر همین اساس حضرت امام (ره) در اسفند ماه سال ۱۳۶۷ در خصوص یکی از مهم ترین دستاوردهای جنگ تحمیلی می فرماید: «از همه مهم تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.»

### تمرکز دشمن بر مبارزه با انقلابی گری در ایران

بر اساس مطالب پیش گفته، به درستی دریافت می شود که دشمنان برای شکست انقلاب و فروریختن جمهوری اسلامی، بر روی کدام عامل تمرکز کرده اند. اینک جمهوری اسلامی، به یک قدرت منطقه تبدیل شده و در حال پیشرفت در زمینه های مختلف است. دشمنان متوجه این معنا شده اند که برای متوقف کردن حرکت انقلاب اسلامی و از خاصیت انداختن جمهوری اسلامی، باید با روحیه انقلابی گری و انقلابی بودن در ایران مبارزه بکنند و با منزوی ساختن نیرو های انقلابی به قدرت رساندن عناصر غیر انقلابی، زمینه های برگرداندن سلطه خود بر ایران را احیا نمایند. بر همین اساس است که غربی ها و رسانه های نظام سلطه در سال های اخیر، جریان ها و نیروهای سیاسی در ایران را، به «میانه رو» و «تند رو» تقسیم نموده، با تشدید فشارها و تحریم ها بر ملت ایران، شرط برداشتن فشارها و پایان بخشی به تحریم ها راه اداره کشور به دست نیرو های میانه رو و اصلاح سیاست های ایران اعلام می دارند! در فتنه سال ۱۳۸۸، رویکرد اصلی دشمنان، منزوی ساختن نیروهای انقلابی از یک طرف، به قدرت رساندن نیروهای غیر انقلابی از طرف دیگر بود. در دوره اصلاحات هم، حمایت های غرب از جریان اصلاحات، به این خاطر بود که اصلاح طلبان با شعار اصلاحات، به دنبال پایان بخشی به دوران انقلابی گری در ایران و تهی ساختن جمهوری اسلامی از محتوای دینی و انقلابی بودند. این مهم نشان می دهد، کسانی که خواهان عمل به تکلیف شرعی در حفظ جمهوری اسلامی به عنوان «اعظم فریض» هستند، باید بر حفظ روحیه انقلابی و تداوم انقلابی گری تمرکز کنند.

### شاخص های انقلابی گری

با مشخص شدن نقش «عامل انقلابی گری» در حفظ جمهوری اسلامی به عنوان شرط لازم و نقش این عامل در تحقق آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی، اینک به این سوال باید پاسخ داد که، شاخص های انقلابی گری کدام است؟ چگونه می توان انقلابی و غیر انقلابی را از یکدیگر

تمیز داد؟

مقام معظم رهبری طی سال های گذشته، در مقاطع مختلف به دلیل اهمیت موضوع، شاخص های انقلابی گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن را، تبیین فرمودند. در ادامه همین روند معظم له در مراسم ۱۴ خرداد سال جاری به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت جانشوز حضرت امام (ره)، در جمع مشتاقان امام و انقلاب، با اشاره به اهداف امام و انقلاب اسلامی، شرط تحقق این اهداف را چنین بیان داشتند: «اگرچه رسیدن به این اهداف، زمان بر و نیازمند تلاش است، اما آنها قابل تحقق هستند و تنها شرط تحققشان حرکت در مسیر انقلاب و انقلابی گری است.»

معظم له با نگاهی آسیب شناسانه به حرکت در سال های گذشته در تحلیل موفقیت ها و ناکامی ها، اینگونه فرمودند: «بعد از رحلت امام بزرگوار(ره)، در هر مقطعی که انقلابی عمل کردیم، پیشرفت به دست آوردیم و هر دوره ای که از انقلابی گری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم.»

حضرت امام خامنه ای پیامد انقلابی و غیر انقلابی عمل کردن در آینده را، اینگونه به ملت ایران گوشزد نمودند: «می توان در این مسیر با شیوه انقلابی حرکت کرد که در آن صورت، پیشرفت قطعی است و می توان با شیوه دیگری حرکت کرد که در چنین وضعیتی، سرنوشت رقت باری رقم خواهد خورد و ملت ایران و اسلام سیلی خواهند خورد.»

معظم له در این سخنرانی راهبردی و تعیین کننده برای آینده انقلاب اسلامی، ضمن تبیین و تشریح اهمیت انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن، پنج شاخصه اصلی و عمده انقلابی گری را مورد توجه قرار دادند:

۱- پایبندی به مبانی و ارزشهای انقلاب اسلامی

۲- هدف گیری مستمر آرمانها و همت بلند برای رسیدن به آنها

۳- پایبندی به استقلال همه جانبه کشور

۴- حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او

۵- تقوای دینی و سیاسی

## تبیین و تشریح شاخص های انقلابی گری

۱- پایبندی به مبانی و ارزشهای انقلاب اسلامی

یک فرد انقلابی، یک گروه و جریان انقلابی، یک مجلس و دولت انقلابی، آن است که به مبانی و ارزش های انقلاب اسلامی پایبند باشد. مبانی و ارزشهای انقلاب اسلامی که در سخنان ۱۴ خرداد مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفت، عبارت است از:

الف- اعتقاد به اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) در مقابل اسلام آمریکایی

ب- اعتقاد عمیق به محور بودن مردم

ج- اعتقاد به پیشرفت، تحول و تکامل

د- حمایت از اقشار محروم و ضعیف

ه- حمایت از مظلومان جهان

۲- هدف گیری مستمر آرمانها و همت بلند برای رسیدن به آنها

در خصوص این شاخص رهبر فرزانه انقلاب اسلامی فرموده اند: «یا وضعی نباید از پیگیری

اهداف بزرگ انقلاب و مردم منصرف شد یا به وضع موجود رضایت داده»

مقام معظم رهبری با تاکید بر اینکه، «تنبلی، محافظه کاری و ناامیدی»، نقطه مقابل این

شاخص است، تصریح و تاکید فرمودند: «راه پیشرفت تمام نشدنی است و باید با انقلابی گری،

مداوم در این مسیر حرکت کرد.»

۳- پایبندی به استقلال همه جانبه کشور

استقلال از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی است. انقلابی کسی است که به این استقلال و

همه لوازم آن پایبند باشد. در شرایط کنونی، استقلال کشور در معرض خطرهای جدی ولی

نامحسوس قرار گرفته است. انقلابی گری یعنی پایبندی به این استقلال و حفظ آن در پرتو

هوشیاری تمام عیار.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین و تشریح این شاخص از شاخص های پنج گانه انقلابی

گری، با اشاره به ابعاد سه گانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استقلال، نکات زیر را مورد توجه

قرار دادند:

الف- «معنای حقیقی استقلال این است که فریب شیوه های دشمن را نخوریم و در هر

موقعیتی، مراقب استقلال داخلی، منطقه ای و جهانی باشیم.»

ب- در حوزه استقلال فرهنگی، انقلابی گری یعنی: «انتخاب سبک زندگی ایرانی اسلامی» و

«پرهیز جدی از تقلید از غرب و بیگانگان»

ج- استقلال اقتصادی یعنی: «هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در پایبندی به استقلال اقتصادی به عنوان یک شاخص انقلابی

گری، با اشاره به توطئه های دشمنان طی سال های گذشته فرمودند: «آمریکاییها در تحریم،

فلج کردن اقتصاد ایران را دنبال می کردند، اکنون نیز که مذاکرات به نتایجی منتهی شده، می

خواهند اقتصاد ایران در هاضمه اقتصاد جهانی که سردمدار آن آمریکاست، بلعیده شود.»

معظم له با اشاره به این نقشه شیطانی دشمنان، اقتصاد مقاومتی را تنها شرط تحقق استقلال

اقتصادی اعلام فرمودند.»

۴- حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او

چهارمین شرط انقلابی گری، حساس بودن در برابر دشمن است. یک فرد انقلابی با داشتن

روحیه انقلابی، برای مبارزه با دشمن، نسبت به دشمن و رفتارها و حرکات او حساسیت دارد

و در پرتو این حساسیت، در مقابل نقشه ها و توطئه های دشمن، از خود واکنش درست و به

هنگام انجام می دهد.

مقام معظم رهبری، در تبیین این شاخص فرمودند: «همچون جبهه جنگ، باید هر حرکت دشمن را رصد و تحلیل کرد، اهداف او را شناخت و با حساسیت لازم در مقابل زهر احتمالی فعالیت‌های دشمن، پادزهر آماده کرد.»

## ۵- تقوای دینی و سیاسی

آخرین شاخص عمده از شاخص‌های انقلابی‌گری، داشتن تقوای دینی و سیاسی است. مقام معظم رهبری در تبیین این شاخص فرمودند: «تقوای دینی یعنی تلاش و مراقبت برای تحقق همه اهدافی که اسلام برای جامعه تبیین و مطالبه کرده است.» ایشان در تشریح این نکته افزودند: «در این زمینه نباید به محاسبه صرفاً عقلانی تکیه کرد، زیرا پیگیری این اهداف، تکلیف دینی است و هر کس اسلام را از حوزه‌های اجتماعی و سیاسی جدا کند، دین مبین خدا را نشناخته است.»

## امام‌الگوی کامل انقلابی‌گری

حضرت امام خمینی (ره) یک انقلابی‌به تمام معنا با شاخص‌های انقلابی‌گری بودند. معنای این سخن، آن است که هر کسی می‌خواهد انقلابی باشد و انقلابی عمل کند، امام (ره) بهترین الگوی آن است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، راه امام یعنی راه انقلاب را، با همان روحیه و منش انقلابی ادامه می‌دهند. چند سال پیش معظم له، با صراحت فرمودند: «من یک انقلابی‌ام» مراد از این انقلابی بودن، یعنی پایبندی به شاخص‌های انقلابی‌گری که معظم له خود تبیین فرمودند و حضرت امام (ره) از نظر ایشان، یک الگوی کامل انقلابی‌گری است. ایشان در این خصوص تصریح فرمودند: «در نقشه راهی که امروز بیان و ترسیم شد، امام در همه شاخص‌ها در بالاترین سطح قرار دارد و باید به عنوان یک الگوی کامل مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.»



تَحْقِيقِ حُرِّيَّةِ عِرَاقِ كَبِيرِ

جهاد کبیر

خرداد ۱۳۹۵

دکتر مقدم فر

۱۷

مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله‌ای که انقلاب اسلامی با آن روبروست مسئله غفلت عامدانه و یا ناآگاهانه از دشمنانی است که در یک جبهه واحد در صد از پای درآوردن آن هستند. درک دشمنی دشمنان و تشخیص نقشه‌های آنان برای پیشروندگی انقلاب در عرصه‌های مختلف از ضروریاتی است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ما را در میدان جهاد کبیر بدان فراخوانده‌اند.

ایشان با ظرافتی محققانه و نوآوری حکیمانه از آیه «فَلَا تَطْعُ الْكٰفِرِيْنَ وَجٰهَدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» که در اکثر تفاسیر جهاد به وسیله قرآن تعبیر شده است آن را به صدر آیه یعنی بالعدم اطاعه از دشمن تفسیر فرمودند و تحقق جهاد کبیر را در عدم تبعیت از دشمن مطرح فرمودند.

امروز از یک سو دشمن تلاش می‌کند با پروژه نفوذ، انقلاب اسلامی را از درون تهی ساخته و با تغییر سیرت، آن را از درون متلاشی نماید و نیز پیشروندگی و الهام بخشی آن برای سایر ملت‌ها مانع ایجاد نماید و از سوی دیگر عناصری در داخل با بزک کردن چهره دشمن در صدند سابقه خشم و خشونت دشمن در حق این ملت را به فراموشی بسپارند و انقلاب اسلامی را از هویت دشمن ستیزی و ضد سلطه بودن خارج ساخته، انفعال در برابر دشمن و حتی پذیرش تفوق و برتری او را تئوری سازی کنند. غافل از آن که ریشه دشمنی دشمنان در سلطه‌طلبی آنان و سلطه ناپذیری انقلاب اسلامی نهفته است.

تقلیل دشمنی دشمنان که امروز در صفی واحد و جبهه‌ای وسیع تمام قد در برابر انقلاب اسلامی ایستاده‌اند به مسائل کوچک در حوزه دیپلماسی رسمی خطای بزرگی است که مضرات زیان باری برای انقلاب اسلامی در عرصه جهانی و مردم و کشور در عرصه داخلی خواهد داشت. تصور این که می‌توان دشمنی را که بر اساس ماهیت سلطه‌گیری و به علت از دست دادن منافع بیشمارش در این کشور به دلیل وقوع انقلاب اسلامی در پای میز مذاکرات رسمی دیپلماتیک از مسیر دشمنی برگرداند تصوری خام و نابخردانه است.

این البته به معنای بی‌همورد گذاشتن میدان جهاد دیپلماتیک نیست بلکه در عرصه سیاست خارجی نیز انقلاب اسلامی به جهادگرانی نیازمند است که با روحیه جهادی از منافع انقلاب اسلامی دفاع کرده حق ملت ایران را از زورگویان عالم بستانند.

مسئله این است که با خوش و بش سیاسی و صرفاً با رعایت آداب دیپلماتیک نمی‌توان خطر دشمنی دشمنان را از سر ملت ایران بلکه ملت‌های منطقه کم کرد یا از بین برد. هم‌اوردی با دشمن نیازمند اقتدار ملی است.

دشمن هنگامی پیش می‌آید که در ما احساس ضعف و سستی مشاهده کند.

اما اگر مشاهده کند جوانان این مرز و بوم با تکیه به اعتماد به نفس ملی و توکل به خداوند متعال هر روز پیشرفت‌های مهمی را در عرصه‌های مختلف رقم می‌زنند و توانمندی خود را

مقتدرانه به منصف ظهور می‌رساند در سنگر خود فرو خواهد خفت و نسبت به نتیجه بخش بودن دشمنی‌هایش مردد خواهد شد.

جهاد کبیری که رهبر معظم انقلاب اسلامی پرچم آن را با تکیه به آموزه‌های وحیانی در دست گرفته و برای حضور همگان در این عرصه، هل من ناصر سر داده‌اند، جهادی برای کسب اقتدار ملی و عدم تبعیت از دشمن در عرصه‌های مختلف است.

انقلاب اسلامی امروز باید نشان دهد علی‌رغم دشمنی‌های دشمنانش او می‌تواند روی پای خود بایستد و مسیر رشد و بالندگی خود را تا رسیدن به قله‌های بلند ادامه دهد. این مهم شدنی است به شرط قطع امید از دشمن از یک سو و کور کردن چشم طمع آنها از سوی دیگر.

باید از دشمن قطع امید کرد و به داشته‌ها و توانایی‌های داخلی خود ایمان آورد و تکیه کرد. دشمن هنگامی بر ما مسلط خواهد شد که این توانایی‌ها و سرمایه‌های ملی را از ما بگیرد. شناخت و شناساندن این سرمایه‌های ملی بی شک مقدمه لازم در تحقق جهاد کبیر و از وظایف همه نیروهای انقلاب به ویژه جهادگران عرصه تبیین و تبلیغ است.

مهم‌ترین این سرمایه‌ها عزت ملی و اسلامی است. یعنی حفظ و حراست از شخصیت انقلابی و هویت اسلامی انقلاب اسلامی و انقلابیون و اجازه ندادن برای هرگونه خدشه به این سرمایه بزرگ است.

قرآن به ما هشدار می‌دهد اگر می‌خواهید از دشمن تبعیت نکنید از شخصیت و هویت انسانی و الهی خود پاسداری کنید. چرا که هر قومی این شخصیت را از دست بدهد ناگزیر تابع دشمن خواهد شد.

«فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ»

این شیوه فرعونیان است که برای به اطاعت و بندگی کشاندن مردم آنها را خوار و خفیف و بی‌مقدار کنند. یعنی سرمایه‌های آنها را غارت کنند تا قامت ملت‌ها، استقامت روی پای خود ایستادن را از دست بدهد و محتاج عصای بیگانگان شود.

از دیگر سرمایه‌هایی که ما را در برابر تبعیت و استنخاف در برابر دشمن مصون می‌سازد، تبعیت از «رهبر الهی» یعنی «ولایت» است.

قوام یک ملت به قیام رهبری است که با تقویت و بسیج عزم و اراده ملت‌ها قیامتی علیه ظلم طواغیت برپا نماید و آنها را به ایستادگی و مقاومت سلحشورانه در برابر دشمن دعوت کند.

مهم‌ترین نشانه عدم تبعیت از دشمن در جهاد کبیر تبعیت از رهبر حق و عدل و مکتب او بر اساس وحی الهی است.

در قرآن می‌خوانیم:

«وَكَايِنٍ مِّن تَبِيٍّ قَاتِلٍ مَّعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ»

معیت با رهبر الهی قوام بخش جامعه در برابر دشمن است و عامل قد برافراشتن در برابر اوست.

«ولایت» عامل تحمل سختی‌ها در راه خدا و ضعف‌نشان ندادن و از پای در نیامدن در برابر دشمن است. همچنانکه در ادامه آیه می‌خوانیم:

فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا

وهن، ضعف و استكانت مومنان در مقابل جبهه دشمن هر چقدر که قوی هم باشند راه ندارد چرا که آنها در رکاب و در معیت یک رهبر الهی هستند.

**سرمایه مهم دیگری که در میدان جهاد کبیر ما در عدم تبعیت از دشمن کمک خواهد کرد حفظ و تقویت روحیه انقلابی‌گری است.**

جهاد بابی است از باب‌های بهشت که جز مخلصان به آن را نمی‌یابند.

ملتی که در بستر خواهش‌های نفسانی و امیال دنیوی و مطالع زودگذر «فعود» کند تاب «قیام» و «مجاهده» در برابر دشمن را از دست خواهد داد.

فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیمًا

تاریخ هیچ قوم قاعدی را تحسین نکرده است بر عکس سرشار از عطر و بوی فداکاری قیامت‌گرایی است که چون سرو در برابر تندباد حوادث سر فرود نیاورده‌اند.

**بنابراین آنچه ما را در این جهاد کبیر یاری خواهد کرد «معنویت» است.**

معنویتی که باید در سراسر زندگی ما نمود داشته باشد و سبک زندگی ما نمادی از آن معنویت باشد.

**یکی از مصادیق خطرناک تبعیت از دشمن تقلید از سبک و فرهنگ زندگی غربی ایت که بر عناصری همچون ابتذال، خشونت، منفعت فردی و لذت استوار است.**

این مطلب چندان به اثبات نیاز ندارد که هزینه‌ای که دشمن برای به تبعیت کشاندن مردم در سبک زندگی غربی متحمل می‌شود بسیار بسیار بیشتر از هزینه‌هایی است که در جنگ‌های نظامی متحمل شده است.

امروز جبهه رسانه‌ای دشمن و امپریالیسم رسانه‌ای نظام سلطه بی‌وقفه در صدد تحمیل سبک زندگی غربی به جامعه ماست.

پادزهر این حیلۀ دشمن تکیه و توجه به این آموزه قرآنی است که:

«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ»

**در تمام عرصه‌ها به تعالیم و حیانی تکیه کنیم و آنچه خود داریم و بهتر و والاترش را داریم از بیگانگان تمنا نکنیم از جمله در سبک زندگی.**

انقلابی‌گری یعنی تکیه به عناصر اقتدار ملی در عرصه فرهنگ، علم، اقتصاد و سیاست

انقلابی‌گری یعنی پیشرفت علمی و دستیابی به افق‌های ناپیموده دانش

انقلابی‌گری یعنی اقتصاد مقاوم در برابر تکانه‌های بین‌المللی

انقلابی‌گری یعنی سبک زندگی اسلامی-ایرانی

انقلابی‌گری یعنی دفاع از جدایی ناپذیری دین از سیاست و مقابله با اسلام سکولار متحجر

انقلابی‌گری یعنی ولایت و تبعیت بی‌چون و چرا از رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی انقلابی‌گری یعنی عدم تبعیت از دشمن و ناکام گذاشتن او در پروژه‌های نفوذ و سازش



تحقیق و پژوهش

تحلیل رفتار آل سعود در  
ممانعت از برگزاری حج  
ابراهیمی

خرداد ۱۳۹۵

عباس حاجی نجاری

## چکیده

سازمان حج و زیارت در تاریخ نهم خرداد ماه جاری با صدور بیانیه ای با اشاره به کارشکنی های مختلف رژیم سعودی اعلام کرد که زائرین عزیز جمهوری اسلامی ایران امسال از حضور در مراسم حج تمتع محروم می شوند. در این بیانیه و مصاحبه رئیس این سازمان عوامل متعددی را برای این اتفاق برشمرده شده که از آن جمله می توان به قطع رابطه سیاسی دو کشور، محدودیتهای فوق العاده ای نظیر صدور ویزا در کشور ثالث، عدم استفاده از پرچم ایران در مکان های استقرار، محدود کردن مراکز پزشکی حج و زیارت در منا و عرفات، و عدم برگزاری مراسم دعای کمیل و... اشاره کرد، اما نکته مهم و اساسی این است که با توجه به مسئولیت سعودی ها برای برگزاری مراسم حج، حتی موضوع سفارت عربستان نیز نمی تواند توجیهی برای این اقدام عربستان برای کارشکنی در مسیر زوار ایرانی باشد، بلکه دلیل اصلی را باید در شکستهای زنجیره ای آل سعود در جنگهای نیابتی منطقه و از دست دادن پایگاههای سنتی و حتی حمایتهای کشورهای غربی متأثر از روند تحولات اخیر جستجو کرد.

رژیم سعودی با طراحی و اجرای جنگ نیابتی علیه سرپنجه های مقاومت، طی سال های اخیر شکست های متعددی را متحمل شده و به مثابه بازیگری است که روند تحولات منطقه را در بلند مدت به زیان خود می بیند؛ و در عین حال از ابزارهای موثری برای ایجاد تغییرات مطلوب در روندهای موجود برخوردار نیست. لذا اقدام غیر شرعی و غیر قانونی این رژیم در ممانعت از سفر زوار ایرانی به حرمین شریفین ریشه در این ناکامی و سرخوردگی دارد.

عربستان در این فضا سازی ها؛ با تهدید و تطمیع در جلب حمایت کشورهای دیگر اهداف زیر را دنبال می کند.

الف- سرپوش گذاشتن بر مشکلات و چالش هایی که در عرصه داخلی، منطقه ای و بین المللی با آن مواجه است. بدین معنی که با استفاده از بازتاب ها و واکنش های موجود اقدام به فرافکنی مشکلاتش کرده و مخالفت های داخلی را سرکوب کند.

ب- با استفاده از واکنش های اعتراضی که در برخی موارد مانند حمله به سفارت عربستان ابعاد احساسی به خود گرفت، تلاش می کند تا پروژه متهم سازی ایران به فرقه گرایی را با قوت و انگیزه بیشتری دنبال نماید.

ج- با متهم سازی نیروهای مقاومت در منطقه نظیر حزب الله به تروریسم و ایجاد محدودیت برای تحرکات و اقدامات آنها، عقبه راهبردی نظام جمهوری اسلامی را محدود کرده و از سوی دیگر ظرفیت های منطقه ای و بین المللی را برای مقابله با آنها تجمیع و گروههای تروریستی متحد با خود را تقویت کند.

د- در گیر ساختن نیروهای جبهه مقاومت در جنگ های نیابتی با محوریت رژیم آل سعود در منطقه بزرگترین خدمت به صهیونیستهاست تا آن رژیم با فراغت بیشتر بتواند نیروهای مقاومت را سرکوب و زمینه تحمیل شرایط مطلوب خود را فراهم آورد.



ه- عربستان با تلاش برای فشار بیشتر بر ایران از طریق افزایش ظرفیت بین المللی، از یک سو تلاش دارد با تقویت روابط با روسیه، ایجاد یک جبهه متحد از کشورهای اسلامی علیه ایران که تحرکات در اجلاس اخیر کنفرانس اسلامی در ترکیه و با تشکیل ارتش اسلامی متشکل از ارتش کشورهای منطقه با حمایت های غرب، نمونه ای از آن است آرایش جدیدی را در منطقه علیه ایران طراحی و اجرا کند.

این سناریو ها البته هوشمندی و اقدام فعال تر دستگاه دیپلماسی ایران را ایجاب می کند که متأسفانه تحرکات لازم در این عرصه دیده نمی شود و اقدام دیپلماتیک ما در مقابل سعودی ها بیشتر انفعالی است. اگر چه در عرصه تحولات میدانی و خدمات مستشاری در عرصه های جنگ نیابتی، ابتکار عمل در دست ما است.

### مقدمه

سرانجام سازمان حج و زیارت با انتشار بیانیه ای در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۹ برگزار می شود. در این بیانیه ۵ بندی با اشاره به اینکه نگاه جمهوری اسلامی ایران به حج و عمره، نگاهی معنوی، وحدت آفرین، توسعه بخش اخوت دینی و اسلامی و پرهیز از فرقه گرایی و طایفه گری بوده و هست و شرکت با شکوه حجج ایرانی در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی(ص)، توجه جدی به تلاوت قرآن کریم و اهتمام به دعا و مناجات با حضرت احدیت، شاهد بر این است که جمهوری اسلامی ایران به مراسم حج نگاهی فراملی داشته و دارد، به کار شکنی های مختلف عربستان سعودی در مسیر انجام مناسک حج ایرانی اشاره و با عنایت به از دست دادن زمان برای برنامه ریزی و تدارکات امور حجج ایرانی و عدم تأمین مطالبات به حق جمهوری اسلامی به ویژه تضمین امنیت حجج ایرانی، اعلام می شود که به دلیل استمرار کار شکنی های دولت سعودی، زائرین عزیز جمهوری اسلامی ایران از حضور در مراسم حج تمتع سال جاری محروم می شوند که مسئولیت آن بر عهده دولت عربستان سعودی است.

آقای اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت هم در گفتگو با رسانه ها در تاریخ ۱۳ خرداد ماه یاد آور شد که به رغم قطع رابطه سیاسی دو کشور، سعودی ها محدودیتهای فوق العاده ای نظیر صدور ویزا در کشور ثالث، عدم استفاده از پرچم ایران در مکان های استقرار، اعلام اسامی ساختار تشکیلاتی بعثه و سازمان حج و سوابق آنها به دولت عربستان، محدود کردن مراکز پزشکی حج و زیارت در منا و عرفات، عدم ورود داروهای مورد نیاز زائران و جلوگیری از برگزاری دعای کمیل و دیگر مراسم را ایجاد کرده اند که عملاً برگزاری سفر را غیر ممکن ساخته است، خصوصاً آنکه به دلیل تعطیلی سفارتخانه ایران در عربستان سعودی و قطع روابط دیپلماتیک دو کشور، پیگیری امور زوار ایران در این کشور، امکان پذیر نیست. و این در حالی است که دربار عربستان به رسانه های سعودی و قطری و اماراتی و... دستور داده است تا در گزارشهای خود جمهوری

اسلامی به عنوان مقصر عدم برگزاری حج امسال برای ایرانیان معرفی و هیچ یک از شروطی را که سعودی‌ها قصد تحمیل بر زوار ایرانی را دارند بازتاب ندهند.

## عوامل مؤثر در اقدام عربستان

در تحلیل چرایی اقدام سعودی‌ها دودسته عوامل را می‌توان مد نظر قرار داد: الف: بخشی از این عوامل که ناشی از ضعف و ناکارآمدی حکام آل سعود در اداره حرمین شریفین و برگزاری این مراسم عظیم اسلامی است، نظیر؛ بی‌احترامی و بدرفتاری سعودی‌ها با زائران ایرانی، اهانت به چند نوجوان ایرانی در فرودگاه جده تا انگشت‌نگاری‌ها و بازرسی‌های بدنی غیرمعمول زائران ایرانی و ضرب و شتم و دستگیری آنها به بهانه‌های واهی و در نهایت سقوط جرثقیل و فاجعه منا در مراسم حج سال گذشته که به کشته و زخمی شدن شمار زیادی از زائران ایرانی انجامید و هیچ‌کس در عربستان سعودی حاضر به عذرخواهی و پذیرفتن مسئولیت این فاجعه نبود! در این میان اقدام جنایتکارانه آل سعود در صدور حکم اعدام برای **شیخ نمر باقر النمر** از رهبران شیعیان عربستان و چند تن از مبارزین شیعه آن کشور که اعتراض گسترده شیعیان در جهان را به دنبال داشت و به اعتراض به سفارت سعودی‌ها در تهران نیز کشیده و بهانه‌ای برای قطع رابطه از سوی سعودی‌ها شد و عملاً به افزایش تنش میان دو کشور کمک کرد. این امر بهانه‌ای برای حکام آل سعود برای قطع رابطه سیاسی و نهایتاً زمینه‌سازی برای لغو سفر زوار ایرانی شد.

ب: علت دیگر رفتار آل سعود به ناکامی‌ها و شکست‌های آنها در منطقه باز می‌گردد. پیشرفت‌های موفقیت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به خصوص طی سال‌های اخیر و بهره‌گیری از استراتژی‌های سیاسی و نظامی پویا از سوی محور مقاومت برای مدیریت و کنترل تهدیدات از جمله مقابله مؤثر با تروریسم تکفیری در سطح منطقه، موجب گردید تا وجهه بین‌المللی ایران تقویت گردد. این در حالیست که غرب و رژیم صهیونیستی در سال‌های گذشته به بهانه‌های مختلف از جمله تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و یا حمایت از تروریسم به دنبال تخریب موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بوده و هستند. استراتژیست‌های غرب که خود را در مقابل مؤلفه‌های قدرت نرم و مؤثر ایران بیش از هر زمانی ناکارآمد و ناتوان دیده‌اند، الگوهای جدیدی از مقابله جویی با ایران را در دستور کار قرار داده‌اند که درگیر سازی ایران با جنگ‌های نیابتی که ماهیت‌های مذهبی و قومی دارند در این راستا قابل توجه‌اند. و به نظر می‌رسد عربستان به عنوان یکی از کشورهای منطقه غرب آسیا از بیشترین انگیزه و پتانسیل برای مقابله با ایران برخوردار است، نقش قابل توجهی در این استراتژی غرب دارد. به عبارت دیگر، عربستان که سیاست‌های منطقه‌ای خود را در پیوند با استراتژی غرب تعریف نموده، امروزه مأموریت‌ها و وظایف بسیار مهمی را برای خنثی‌سازی ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران بر عهده گرفته است که تلاش برای محروم

کردن مردم ایران از سفر حج و تروریست معرفی کردن نیروهای جبهه مقاومت و به ویژه حزب الله گوشه ای از آن است.

## زنجیره نا کامی ها و شکست های آل سعود

رژیم آل سعود که در سالهای اخیر مأموریت ژاندارمی آمریکا در منطقه و دفاع از منافع دیگر ابرقدرتها در مقابله با جمهوری اسلامی ایران را برعهده گرفته است، در طی چهار دهه گذشته با شکست های پیاپی مواجه شده، که حتی مطلوبیت خود را نیز برای غرب از دست داده است، بخشی از این شکستها به شرح زیر است:

۱. از ابتدای دهه ۸۰ میلادی عربستان و متحدینش از تجاوز صدام، دیکتاتور عراق، به ایران حمایت کردند و دهها میلیارد کمک مالی به او کردند تا ایران را شکست داده و تجزیه کند و حتی نظام انقلابی ایران را سرنگون کند که همه جملگی شکست خوردند، صدام رفت و ایران قدرتمندتر از همیشه باقی مانده است.

۲. عربستان از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی با هدف تشکیل و سازماندهی گروههای تکفیری در شرق ایران و البته به بهانه مبارزه با روسها و جلوگیری از نفوذ ایران در افغانستان و پاکستان، میلیارد دلار هزینه کرد. اما ناتوانی در مهار این حرکت های افراطی و به ویژه بعد از حادثه حمله به برج های دو قلوی نیویورک، روند تحولات این منطقه هم به ضرر سعودی ها رقم خورد.

۳. از سال ۱۹۲۰ به بعد، اقلیت سنی بر عراق حکومت می کرد و تبعیض نسبت به شیعیان که اکثریت مردم عراق را تشکیل می دادند اعمال می شد. با حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، صدام ساقط شد سعودی ها در عین از دست دادن نفوذ خود در این کشور شاهد شکل گیری دولت فراگیر شیعی در عراق شدند که قطعاً با منافعشان سازگار نبود.

۴. بعد از ۲۰۰۵ عربستان مدام تلاش کرد تا آمریکا را برای حمله نظامی به ایران قانع کند و به قول پادشاه سعودی «سر مار را قطع کند»، اما اقتدار و توان دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی نظام جمهوری اسلامی سبب شد که آمریکائیه با رغم چندین بار تهدید و تشدید تحریمهای ایران و حتی اعلام ایران به عنوان محور شرارت، نتوانند کوچکترین اقدامی علیه ایران انجام دهند.

۵. عربستان حامی اصلی بن علی دیکتاتور فاسد تونس بود که بعد از ۲۳ سال حکومت، در ژانویه ۲۰۱۱ با تظاهرات مردمی مجبور به فرار شد. این اولین باری بود که بر اثر بیداری اسلامی و قیام مردمی، رهبر یک کشور عربی ساقط شد و موج آن دیگر کشورهای اسلامی را نیز فراگرفت. سعودی ها با نگرانی از الگو گیری مردم این کشورها از انقلاب اسلامی ایران، نهایت تلاش خود را برای مهار و مقابله با حرکت بیداری اسلامی بکار گرفتند، این اقدام سعودی ها اگرچه هزینه های سنگینی را بر جهان اسلام تحمیل و به اعتبار اسلام در جهان لطمه زد، به دلیل آنکه نقطه کانونی این اقدامات افراطی در عربستان بود، اعتراضاتی علیه سران این رژیم در جهان را به دنبال داشت.

۶. بعد از سقوط دیکتاتورهای تونس و مصر، این بار عربستان برای سرکوب قیام مردمی شیعیان بحرین و به بهانه حمایت از حکومت اقلیت سنی به این کشور لشکرکشی کرد، اما با وجود پنج سال اشغال نظامی، ریاض در حل بحران بحرین هم شکست خورده است و آن را ناشی از نفوذ انقلاب اسلامی در این کشور دانسته، و البته ایران را نیز به دخالت در امور این کشور متهم می کند.

۷. از آغاز بحران سوریه، عربستان به عنوان حامی اصلی گروههای افراطی در این کشور، تا کنون دهها میلیارد دلار هزینه کرده و میلیونها نفر از مردم این کشور را کشته، مجروح و آواره کرده است، اما نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه در تلاش برای کشاندن آمریکا برای حمله نظامی به سوریه هم توفیق نداشته و سیاست «اسد باید برود» عربستان و آمریکا هم شکست خورده است. اسد بر مسند قدرت باقی است و قدرت‌های جهانی هم به این نتیجه رسیده‌اند که اسد بخشی از راه حل است. و این بزرگترین شکست برای سیاستهای راهبردی سعودی‌ها در منطقه است.

۸. با آغاز مذاکرات هسته‌ای نگرانی سعودی‌ها از کاهش تحریمهای ایران فزونی گرفت، به ویژه آنکه آغاز این مذاکرات ناشی از دستاوردهای غیر قابل انکار ایران و در عرصه هسته‌ای و اذعان غرب به اقتدار و توان ایران بود. به همین دلیل برخی کارشناسان اقدامات واکنشی سعودی‌ها علیه ایران را ناشی از روند مذاکرات دانسته که به ارتقاء جایگاه ایران در منطقه انجامیده و نهایتاً انزوای سعودی‌ها را در پی داشته است.

۹. از اوائل ۲۰۱۵ عربستان با هدف مقابله با نیروهای انصارالله در یمن که قرابت ویژه‌ای با ایران دارند، تهاجم چند جانبه‌ای را به این کشور مظلوم آغاز و به رغم گذشت بیش از یک سال نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه به رغم سکوت و همراهی آمریکا و دیگر قدرتهای غربی و نهاد‌های بین‌المللی و کشته و مجروح و آواره شدن میلیونها شهروند بی‌گناه این کشور هیچ دستاوردی به جز تقویت داعش و القاعده در یمن نداشته است و این در حالی است که این نیروی مقاومت انقلابی متأثر از حماقت سعودی‌ها روز به روز بالنده تر و قدرتمند تر شده و سعودی‌ها در عین از دست دادن حمایت غربی‌ها روز به روز از پیش برد اهدافشان در یمن نا امید تر می شوند به ویژه آنکه به شدت از سوی غربیها برای بستن پرونده یمن تحت فشار قرار دارند.

۱۰. عربستان به قصد ضربه زدن به ایران، قیمت نفت را از ۱۲۰ دلار به ۳۰ دلار کاهش داد و اکنون خود دچار بحران کسری بودجه بی‌سابقه‌ای شده به طوری که امسال ۹۰ میلیارد دلار کسری بودجه خواهد داشت.

۱۱. عربستان با بحران‌های متعدد داخلی همچون: فساد، نبود دموکراسی، تبعیض آشکار علیه اقلیت شیعه، جنگ قدرت در داخل خانواده سلطنتی و بدترین کارنامه حقوق بشری مواجه است.

۱۲. امروز جهان به اجماع رسیده که تروریسم تکفیری همچون داعش، بزرگترین تهدید امنیت

جهان است. توماس فریدمن نویسنده مشهور نیویورک تایمز نوشت: «داعش یک پدر دارد و آن هم عربستان سعودی و مجتمع صنعتی ایدیولوژیکی آن است». امروز حتی آمریکا هم به این نتیجه رسیده که عربستان منبع اصلی حامی داعش است و گروه‌های تروریستی است.

۱۳. ماجرای دستگیری و اعدام شیخ نمر باقر النمر هم که به قطع رابطه سیاسی این کشور با ایران انجامید به رغم سکوت همراه با تأیید کشورهای غربی صرفه ای برای این کشور نداشت. عمده ترین فرضیه هایی که در مورد علت اقدام عربستان در به شهادت رساندن شیخ نمر مطرح است و به نظر می رسد متناقض یکدیگر هم نبوده و با یکدیگر قابل جمع هستند عبارتند از:

- رقابت های درون حاکمیتی عربستان
- متاثر کردن موفقیت های جبهه مقاومت در منطقه به ویژه سوریه
- ایجاد اطمینان به گروه های تروریستی مورد حمایت خود مبنی از جدی بودن در حمایت از آنان
- تاثیر گذاری بر روند اجرای برجام
- مجبور سازی ایران به عقب نشینی در منطقه از طریق تشدید فشارهای سیاسی و روانی
- مقدمه چینی برای درگیر سازی مستقیم ایران به یک جنگ ناخواسته

### دشواری های غرب در تداوم حمایت از رژیم سعودی

اقدامات اخیر سعودی ها و حمایت آنان از گروههای تروریستی و به ویژه کشتار مردم یمن باعث شده که قدرتهای غربی به دلیل مخالفتهای مردمی نتوانند مانند گذشته به حمایتهای خود از رژیم سعودی ادامه داده و حتی ناچار شده اند در ظاهر برخی انتقادات نسبت به این رژیم را علنی کنند. این امر البته که می تواند منشأ تغییر در روند تحولات معطوف به این کشور باشد که به گوشه ای از آن اشاره می شود:

- باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا چند ماه قبل در مصاحبه ای با توماس فریدمن نویسنده ستون آزاد و خبرنگار ارشد سابق نیویورک تایمز در مورد حمایت واشنگتن از کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی در برابر ایران، گفت که این کشورها با وجود تهدیدات خارجی، با تهدیدات داخلی نیز مواجه هستند. وی تهدیدات داخلی در کشورهای عربی متحد آمریکا را اینطور برشمرد: «جمعیتی که در برخی موارد به حاشیه رانده شده، جوانانی که با بیکاری مواجه هستند، ایدئولوژی مخرب و پوچ گرایانه و گاهی این تصور که هیچ مجرای سیاسی ای برای ابراز نارضایتی وجود ندارد». اوباما افزود: «بنابراین بخشی از وظیفه ما این است که با این کشورها کار کنیم و بگوئیم که خوب چطور می توانیم توانمندی های دفاعی شما را علیه تهدیدات خارجی تقویت کنیم، و اینکه در عین حال چطور می توانیم نظام سیاسی در این کشورها را تقویت کنیم، به نحوی که جوان سنی احساس کند که آنها (غیر از داعش) گزینه دیگری هم برای انتخاب دارند... فکر می کنم بزرگترین تهدیدی که آنها با آن مواجه هستند، از جانب تجاوز ایران نیست.

بلکه ناشی از نارضایتی داخلی داخل کشورهايشان است... گفتن این حرف‌ها دشوار است، اما چیزی است که باید مطرح شود.»

جرالدو ریورا کارشناس فاکس نیوز می گوید: بر خلاف ادعاهای مطرح‌شده، این عربستان و تفکر وهابی و تکفیری تبلیغ‌شده از سوی ریاض است که عامل شکل‌گیری تروریسم در جهان است. بزرگترین تهدید برای آمریکا، عربستان و تفکرات افراطی‌ای است که این کشور تبلیغ می‌کند. فکر می‌کنم منشا تمام شرارت‌ها عربستان سعودی است. ما یازده سپتامبر را مشاهده کردیم. مهاجمین یازده سپتامبر چه کسانی بودند؟ ۱۵ تایی آن‌ها سنی (تکفیری) بودند، من درخواست می‌کنم آن بخشی از گزارش یازده سپتامبر را که در مورد مشارکت سعودی‌ها و خاندان سعودی در یازده سپتامبر است و هنوز طبقه‌بندی‌شده مانده، منتشر کنند.» جرالدو ریورا در ادامه این گفتگو می‌افزاید: افراطی‌گری سنی، الشباب، بوکو حرام، داعش، القاعده، خود اسامه بن لادن، همه سعودی هستند. چطور می‌شود که ناگهان ایران تهدیدی برای بقای آمریکا می‌شود؟ ایران و شیعه هیچ ارتباطی با این مسئله ندارد. گفتنی است که سیاست تهدید و تطمیع سعودی‌ها سبب شد که آمریکاییها از انتشار سند دخالت آل سعود در ماجرای انفجار برجهای دوقلو در ۱۱ سپتامبر خودداری کنند

سال گذشته جو بایدن، معاون ریاست جمهوری آمریکا در یک سخنرانی در دانشگاه هاروارد، به نقش مخرب شرکای منطقه‌ای خود نظیر عربستان و امارات متحده عربی اشاره کرد و افزود که؛ بزرگترین مشکل ما در بحران سوریه نه دولت بشار اسد که متحدانمان نظیر عربستان، امارات و ترکیه هستند که صدها میلیون دلار را در حمایت از گروه‌های به اصطلاح مخالف میانه رو ولی در واقعیت تروریستی داعش و جبهه نصره استفاده کردند.

– هیلاری کلینتون در زمان وزارت خارجه اش، در یک یادداشت محرمانه که اخیراً افشاء شد، تصریح کرده که عربستان منبع اول تغذیه تروریسم در جهان است.

### جمع بندی و نتیجه:

عربستان در این فضا سازی ها؛ با تهدید و تطمیع در جلب حمایت کشورهای دیگر اهداف زیر را دنبال می‌کند:

الف- سرپوش گذاشتن بر مشکلات و چالش‌هایی که در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با آن مواجه است. بدین معنی که با استفاده از بازتاب‌ها و واکنش‌های موجود اقدام به فرافکنی مشکلاتش کرده و مخالفت‌های داخلی را سرکوب کند.

ب- با استفاده از واکنش‌های اعتراضی که در برخی موارد مانند حمله به سفارت عربستان ابعاد احساسی به خود گرفت، تلاش می‌کند تا پروژه متهم‌سازی ایران به فرقه‌گرایی را با قوت و انگیزه بیشتری دنبال نماید.

ج- با متهم‌سازی نیروهای مقاومت در منطقه نظیر حزب الله به تروریسم و ایجاد محدودیت برای

تحركات واقدامات آنها، عقبه راهبردی نظام جمهوری اسلامی را محدود کرده و از سوی دیگر ظرفیت های منطقه ای و بین المللی را برای مقابله با آنها تجمیع و گروههای تروریستی متحد با خود را تقویت کند

د- در گیر ساختن نیروهای جبهه مقاومت در جنگ های نیابتی با محوریت رژیم آل سعود در منطقه بزرگترین خدمت به صهیونیستهاست تا آن رژیم با فراغت بیشتر بتواند نیروهای مقاومت را سرکوب و زمینه تحمیل شرایط مطلوب خود را فراهم آورد

ه- عربستان با تلاش برای فشار بیشتر بر ایران از طریق افزایش ظرفیت بین المللی؛ از یک سو تلاش دارد با تقویت روابط با روسیه، ایجاد یک جبهه متحد از کشورهای اسلامی علیه ایران که تحركات در اجلاس اخیر کنفرانس اسلامی در ترکیه و یا تشکیل ارتش اسلامی متشکل از ارتش کشورهای منطقه باحمایت های غرب، نمونه ای از آن است آرایش جدیدی را در منطقه علیه ایران طراحی و اجرا کند

این سناریو ها البته هوشمندی و اقدام فعالتر دستگاه دیپلماسی ایران را ایجاب می کند که متأسفانه تحركات لازم در این عرصه دیده نمی شود اقدام دیپلماتیک ما در مقابل سعودی ها بیشتر انفعالی است. اگر چه در عرصه تحولات میدانی و خدمات مستشاری در عرصه های جنگ نیابتی، ابتکار عمل در دست ما است



# خداوند و الهام

خرداد ۱۳۹۵

